

بررسی تأثیر وام های خرد بر اشتغال *

(مطالعه موردی ایران)

وحید فعالیت^۱ - ندا خارقانی^۲

چکیده:

یکی از استراتژی هایی که در سال های اخیر مورد توجه صاحب نظران و سیاستگذاران برای از بین بردن فقر و کاهش بیکاری در کشورهای مختلف قرار گرفته است "اعتبارات خرد" است. اما یکی از مسائل مبهم برای تصمیم گیرندگان در سطح کلان کشور میزان و نحوه تأثیر این اعتبارات بر سایر متغیرهای اقتصادی می باشد چرا که به نظر می رسد عملکرد اعتبارات خرد در کشورهای مختلف و در زمان های مختلف، متفاوت است. در این تحقیق تأثیر اعتبارات خرد (وام های خرد) با توجه به عواملی نظیر جنسیت، بخش اقتصادی و محل سکونت و با استفاده از مدل های TOBIT و PROBIT مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج نشان می دهد که اعتبارات خرد بر روی ایجاد "اشتغال با دستمزد و حقوق" بی تأثیر است و بر ایجاد اشتغال "بدون دستمزد و حقوق" تأثیر بسیار اندکی دارد.

واژگان کلیدی: اعتبارات خرد، پروبیت، اشتغال، بنگاه های زودبازده

* از طرح های پژوهشی مؤسسه کاروتأمین اجتماعی

۱- عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی تربیت مدرس

۲- عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی تربیت مدرس

زیادی در این زمینه وجود ندارد. فقدان این اطلاعات به این خاطر است که در کسب و کارهای خانوادگی تغییرات تنها ممکن است تبدیل یک شغل فصلی به شغل دائمی، بکارگیری یک کارآموز به جای یک کارگر مزد و حقوق‌بگیر و یا بکارگیری فرزندان در خانه به جای رفتن به مدرسه باشد. بنابراین اغلب مؤسسات تأمین مالی خرد دسترسی به اطلاعات مربوط به فرآیند ایجاد، تغییر، بهبود و پایان پذیرفتن شغل‌ها را ندارند.

موانع دیگری که در بررسی تأثیر تأمین مالی خرد بر اشتغال وجود دارد عبارتند از:

- اشتغال یک اثر غیرمستقیم به شمار می‌آید چرا که تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری یا اختصاص وام بستگی به گیرنده تسهیلات دارد. در حقیقت مؤسسه تأمین مالی خرد می‌تواند مشتری‌های خود را انتخاب کند و این مشتری‌ها هستند که در مورد استفاده وام‌ها تصمیم می‌گیرند.
- اشتغال اشکال مختلفی دارد. شواهد ظاهری نشان می‌دهد که تأمین مالی خرد تأثیر اساسی بر خوداشتغالی و بهبود وضعیت کارهای خانوادگی بدون مزد و حقوق دارد. به عبارت دیگر بیشتر از آن که این وام‌ها بر وضعیت اشتغال افراد غیرخانوار تأثیر داشته باشد بر درآمد خود گیرندگان تسهیلات تأثیر دارد.
- شناسایی تغییرات و جایگزینی بین اشکال مختلف شغل‌ها (به عبارت دیگر تبدیل شغل بدون دستمزد به شغل با مزد و حقوق یا استخدام نیروی کار از بیرون به جای افراد خانواده) در داخل کسب و کارهای خانوادگی بسیار دشوار است.^۳ به نظر می‌رسد با دریافت اولین وام، تنها کارکنان خانوادگی بدون مزد به کار گماشته می‌شوند و با بهبود کسب و کار و تزریق اعتبارات بیشتر، کارکنان غیرفامیلی با مزدهای اندک به خدمت گرفته می‌شود و در نهایت استخدام این افراد با نرخ‌های بازار صورت می‌گیرد. بنابراین درک پویایی‌های این تغییرات برای مؤسسات تأمین مالی و افراد بیرونی دشوار است.
- تغییر تقاضای نیروی کار در بعضی موارد منجر به تقویت کیفیت کار می‌گردد (البته نه به صورت خودکار). اگر تسهیلات این امکان را به خانواده‌ها بدهد که آنها بتوانند فرزندان خود را به صورت مناسب آموزش دهند این نوع سرمایه‌گذاری موجب توسعه کیفیت کار در کل کسب و کار خانوادگی می‌گردد. اما سناریوی دیگر ممکن است این باشد که گرفتن وام به مفهوم کار اضافی برای

اقتصاددانان همواره بر نقش اعتبارات و سرمایه در فرآیند توسعه اتفاق نظر دارند. اعتبارات و سرمایه را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل تبدیل ایده به محصول به شمار آورد. از طرف دیگر اعطای اعتبار به خانوارهای کم‌درآمد، کارآفرینان نوپا و کسانی که مایل به ایجاد کسب و کارهای کوچک هستند، همواره با ریسک زیاد بازپرداخت وام‌ها مواجه است. بنابراین معمولاً دولت‌ها از طریق سیاست‌های حمایتی از قبیل نرخهای بهره کم، دوره بازپرداخت طولانی، عدم گرفتن وثیقه و... سعی در حل این مسأله می‌نمایند. یکی از استراتژی‌هایی که در سال‌های اخیر مورد توجه صاحب نظران و سیاستگذاران برای از بین بردن فقر و کاهش بیکاری در کشورهای مختلف قرار گرفته است "اعتبارات خرد" است. اهمیت این شیوه به گونه‌های بوده که سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۵ را به عنوان سال اعتبارات خرد نامگذاری کرده بود.

یکی از اهداف ضمنی و در حقیقت کلید موفقیت برنامه‌های مربوط به "اعتبارات خرد" ایجاد و توسعه اشتغال است. بدون دسترسی افراد به شغل‌های مولد و پایدار تحقق اهداف متعالی غیرممکن می‌نماید. براین اساس در این تحقیق تلاش کرده‌ایم؛ اثرات اعتبار خرد را بر یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی یعنی اشتغال مورد بررسی قرار دهیم. این جنبه از اعتبارات خرد به دلیل پیچیده بودن فرآیند و دسترسی به آمار و اطلاعات، جزو مواردی است که تحقیقات اندکی درباره آن صورت گرفته است. البته باید خاطر نشان کرد که ممکن است کلمه "اشتغال" به معنی شغل‌های تمام وقت، پایدار و دارای دستمزد مناسب نباشد. در حقیقت "اشتغال" در اقتصادهای غیررسمی به معنی استاندارد آن یک مفهوم نایاب به شمار می‌آید. چرا که اشتغال در اقتصاد غیررسمی اغلب در وضعیت غیراستاندارد یا به عبارت دیگر در وضعیت ناکارا و بدون دستمزد، فقدان قوانین حمایت‌کننده، عدم حمایت سیستم تأمین اجتماعی قرار دارد و در اغلب موارد بچه‌ها و اعضای خانواده به عنوان کارگر استفاده می‌شوند، بنابراین اگر دستیابی به منابع مالی حجم اشتغال غیراستاندارد را افزایش دهد، فعالیت مؤسسات تأمین مالی خرد بسیار مباحثه‌برانگیز خواهد شد. اغلب مشتریان مؤسسات تأمین مالی خرد را کسب و کارهای خانوادگی^۱ تشکیل می‌دهند و درک تغییرات اشتغال در این نوع از کسب و کارها همواره مشکل است. گذشته از گزارش‌های غیرمستند در مورد وضعیت کار کودکان، انباشت بدهی‌ها (گیر کردن افراد در دام وام‌ها)^۲ و تغییر نوع کار افراد (از فصلی به دائمی) اطلاعات

۳. ارزیابی MIBANCO در پرو نشان می‌دهد به طور متوسط حقوق کارمندان صاحبان بنگاه‌هایی که وام دریافت کرده‌اند به اندازه ۹ روز در ماه نسبت به گروه کنترل افزایش داشته است. اما این نتیجه چندان شفاف نیست چرا که معلوم نیست این دستاورد به تدریج در طول زمان بدست آمده است یا حاصل تغییر در تکنیک‌های تولیدی است.

1 . Household-enterprise
2 . Debt trap

اعضای خانواده باشد که در این صورت کیفیت کار بدتر خواهد شد.

هدف اصلی این مقاله پاسخگویی به سوالات مهم زیر است:

- آیا اعتبارات خرد تأثیر مثبت و معنی داری بر اشتغال دارد؟
- آیا تأثیر اعتبارات خرد در بخش های مختلف اقتصادی (کشاورزی، خدمات و صنعت) متفاوت است.
- آیا تأثیر اعتبارات خرد بر اشتغال در روستاها و شهرها متفاوت است؟
- عملکرد اعتبارات خرد تخصیص یافته با توجه به جنسیت چگونه است؟

براین اساس پس از مقدمه، در بخش اول مقاله، مروری بر مطالعات انجام شده و ادبیات موضوع خواهیم داشت. در بخش دوم به توصیف جامعه آماری و نمونه آماری می پردازیم و در ادامه، تبیین و تخمین مدل در بخش سوم ارائه می گردد و در نهایت، نتایج تحقیق و پیشنهادات بیان گردیده است.

۲- مروری بر مطالعات انجام گرفته

۲-۱- مطالعات سایر کشورها

منابع اطلاعاتی و داده های موجود در زمینه صنعت تأمین مالی خرد، "اشتغال" را به عنوان یکی از ابعاد مؤثر تأمین مالی خرد لحاظ نمی کنند. برای مثال MIX از شاخص های مختلفی نظیر متوسط وام ها به ازای هر وام گیرنده، متوسط پس انداز به ازای هر پس انداز کننده، درصد وام ها به GNP، درصد پس انداز به GNP، درصد مشتریان زن، تعداد وام گیرندگان، تعداد پس انداز کنندگان، تعداد وام های کمتر از ۳۰۰ دلار و غیره که نشان دهنده پوشش خدمات مالی خرد است؛ استفاده می کند.

به طور کلی مؤسسات تأمین مالی خرد برای اندازه گیری نحوه پوشش برنامه های خود، اطلاعاتی که نیاز به مراجعه و انجام بررسی در سطح خانوارها دارد را انجام نمی دهند و این مسأله دلیل کمبود اطلاعات در زمینه اشتغال است چرا که این نوع اطلاعات احتیاج به انجام تحقیقات و جمع آوری اطلاعات به صورت مصاحبه یا پرسشنامه ای را دارد.

با نگاهی به روش های مورد استفاده توسط سازمان ها و مؤسسات تأمین مالی خرد مشهور در سراسر جهان نظیر M-CRIL, M-FINANZ- CERISE, AMAP, ACCION و GRI متوجه می شویم که هنوز معیاری مربوط به اشتغال به عنوان اجزای مدیریت اثر بخشی وجود ندارد.

M-CRIL^۱ تنها مؤسسه ای است که معیاری با عنوان "میزان اجاره نیروی کار در بنگاه های حمایت شده با

1 . Microcredit Rating International Limited

اعتبارات" پیشنهاد داده است.

کارهای تجربی اندکی در مورد رابطه تغییر در دستیابی به منابع مالی و تغییر در تقاضا برای نیروی کار وجود دارد. در مورد ارزیابی اثربخشی تأمین مالی خرد می توان به کارهای انجام شده توسط Gaile/Foster^۲, von Pischke, Bolnick/Nelson and Sebstad^۳/Chen, Schrieder and Sharma^۴ اشاره کرد. اشتغال به عنوان یکی از خروجی های آزمون شده این مطالعات است اما به صورت متغیر اصلی در نظر گرفته نشده است که شاید این مسأله ناشی از مبهم بودن کلمه اشتغال است. بعضی نویسندگان اشتغال را به صورت دستمزد کارکنان غیرفامیلی در نظر گرفته اند. (که می توان آن را جزو اشتغال رسمی به حساب آورد) و بعضی دیگر از محققان نیروی کار فامیلی و کارآموزانی که دستمزد دریافت می کنند را نیز در نظر می گیرند و تنها نیروی کار فامیلی که دستمزد دریافت نمی کنند و نیروی کار کودکان را از محاسبات خود حذف می کنند و برخی دیگر از پژوهشگران تمام این موارد (اشتغال رسمی و غیر رسمی) را لحاظ می کنند. نتیجه این مطالعات را می توان چنین بیان کرد که اگر مفهوم محدودتر اشتغال را در نظر بگیریم، تأمین اعتبار خرد اثر منفی و اگر مفهوم وسیع تر اشتغال را در نظر بگیریم اثر مثبت بر روی تقاضای نیروی کار دارد.

هولم و موزلی^۵ بیان می کنند که "تغییرات تکنیکی القاء شده از طریق استقراض و همچنین اثرات استقراض بر اشتغال غیرفامیلی اندک است" و به طور کلی تفاوت بین بنگاه های خرد وام گرفته و گروه های کنترل مرتبط^۶ کمتر از یک کارگر بوده است:

افزایش سطوح تولید تأمین مالی شده توسط وام ها تنها همراه با افزایش تقاضای نیروی کار فامیلی است. به طور مشابه، نتایج مونتگومری و دیگران^۷ بیانگر این است که وام های BRAC درآمدهای اضافی برای فقرای دیگر ایجاد نمی کند ولی تأثیر مهمی بر بهره وری نیروی کار

2 . Gaile, Gary and Foster, Jennifer, Review of methodological approaches to the study of impact of microenterprise credit programs, AIMS, USAID, Washington, 1996

3 . Bolnick, Bruce and Nelson, Eric, Evaluating the economic impact of a special credit programme : KIK/ KMKP in Indonesia, JDS, 26, 1990 pp.299-312

4 . Schrieder, Gertrud and Sharma, Manohar, Impact of Finance on Poverty reduction and social capital formation, Savings and development No.1, 1999, pp.67-93

5 . Hulme, David and Mosley, Paul, Finance against Poverty, London 1996, p.102

6 . respective control groups

7.Montgomery, Richard, Bhattacharya, Debapriya, Hulme, David, Credit for the Poor in Bangladesh, in Hulme/Moseley, op.cit. volume II,

وام‌گیرندگان و اعضای خانواده آنها دارد.

گروه دوم از محققان که بسیار خوش‌بین هستند دامنه وسیعی از اشکال اشتغال را متصور هستند. اندازه عملیاتی کسب و کارها در مرحله اول ارتباط با مؤسسه تأمین مالی خرد تعیین کننده تقاضا برای افزایش نیروی کار (با مزد و حقوق) نیز است. مشتریان برنامه KIK در اندونزی زمانی که اولین وام خود را دریافت کردند، به طور کلی بین ۳ الی ۱۵ نفر کارگر (با حقوق و بدون حقوق) داشتند که به طور مشخص تعدادی از این مشتریان را نمی‌توان جزو کسب و کارهای خانوادگی قلمداد کرد. همچنین تفاوت معنی‌داری بین بخش‌ها وجود داشت (شغل‌های ساختمانی کاهش پیدا کرد اما در شغل‌های کشاورزی، صنعت و تجاری افزایش وجود داشت). در مجموع ۷۹۱ میلیون دلار اعتبار تزریق شده توسط بانک مرکزی به بانک‌های تجاری (از طریق تأمین مالی مجدد تسهیلات) در طی دو سال ۲۲۵ میلیون دلار سرمایه‌گذاری ثابت و ۶۷ هزار شغل ایجاد کرده است.^۱

این نتایج در اوائل و اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ در یک سری مطالعات مربوط به ارزیابی اثرات MFIS که در چارچوب برنامه AIMS^۲ بر روی نصف اعضای USAID^۳ انجام شد، تأیید گردید. برای مثال بررسی‌های صندوق زامبوکو^۴ در زیمباوه نشان می‌دهد که تأثیر حضور در برنامه‌ها بر میزان نیروی کار (برحسب نفر-ساعت) و بنابراین بر اشتغال دارای دستمزد مشتریان بیشتر از گروه کنترل است اما تأثیری بر روی اشتغال با مزد و حقوق کسب و کارهای فامیلی ندارد.^۵

بررسی‌های AIMS از SEWA در هند^۶ نشان می‌دهد که شرکت در برنامه‌ها به ایجاد نسبتاً کم اشتغال منجر می‌گردد.^۷

بررسی AIMS از MIBANCO^۸ در پرو ۵۱۸ خانوار را پوشش می‌داد (۳۰۵ عدد متعلق به گروه مورد مطالعه و ۱۷۵ عدد گروه کنترل) که اغلب در تجارت‌های کوچک

(۷۸ درصد) خدمات (۱۵ درصد) و تولید (۷ درصد) فعالیت می‌کردند و بیش از نصف آنها کسب و کارهای خانوادگی هستند و به طور همزمان فعالیت‌های درآمدزای مختلفی را انجام می‌دهند. وام‌های MIBANCO با اهداف سرمایه‌ای تخصیص پیدا می‌کند و هیچ‌گونه محدودیتی برای مشتریان در استفاده از این وام‌ها برای تأمین دارایی‌های ثابت وجود ندارد. اندازه‌گیری اشتغال بر حسب تعداد روزهای کاری در هر ماه نشان می‌دهد که تفاوت‌هایی در اشتغال بین مالک (عامل)، اعضای خانواده و اعضای غیر خانواده (که کمتر از ۱۵ درصد افراد استخدام شده در کسب و کارهای دریافت کننده تسهیلات را تشکیل می‌دادند) وجود دارد. تأثیر بر اشتغال کلی اضافه‌شدن ۹ روز به ازای هر ماه بود و برای اعضای غیرفامیلی (دارای مزد و حقوق) ۳/۳ بود. اگر این تخمین را به ۴۰,۰۰۰ مشتری MIBANCO در سال ۱۹۹۹ تعمیم دهیم ۴,۳ میلیون روز کاری در سال خواهد شد که برابر با ۱۷,۳۰۰ شغل تمام وقت است و ۶۳۰۰ شغل دارای دستمزد برای اعضای غیرخانوار خواهد بود.

مطالعات دیگر بر انتقال بین اشکال اشتغال تمرکز کرده‌اند. در سال ۱۹۹۷ یک ارزیابی از ۱۳۳ مشتری صندوق توسعه افراد بدون زمین^۹ در فیلیپین تعداد روزهای کاری اعضای خانواده در هر ماه و همچنین میزان ساعات کاری افراد استخدام شده در هر روز را مورد بررسی قرار داد.^{۱۰} نتایج حاکی از آن بود که حجم اشتغال برای زن و شوهر در فعالیت‌های تأمین مالی شده با اعتبارات افزایش زیادی داشته است. البته اگر این موضوع را به صورت یک مجموعه فعالیت‌های درآمدزا در نظر بگیریم افزایش استفاده از نیروی کار شخصی به معنای کاهش در دیگر فعالیت‌های اقتصادی است. به نظر می‌رسد تزریق اعتبارات محرکی برای ایجاد ترکیب جدید از مجموعه فعالیت‌های درآمدزا است.

در بررسی خاندکر و دیگران که برای ۲۹ منطقه بنگلادش انجام شده است، جایگزینی خوداشتغالی به جای شغل‌های مزدبگیری گزارش شده است.^{۱۱} نویسندگان نتیجه‌گیری کرده‌اند که در اثر ارائه خدمات مالی خرد توسط بانک گرامین، BRAC^{۱۲} و RD-12^{۱۳} (سه برنامه مشهور

1. Bolnick/Nelson, op.cit., 308
2. Assessing the Impact of Micro enterprise Services
3. The U.S. Agency for International Development
4. "The Zambuko Trust" یک وام‌دهنده به ثبت رسیده است که خود را به عنوان مؤثرترین و مستعدترین نهاد تأمین مالی خرد در زیمباوه شناسانده است.
5. Barnes, Carolyn Microfinance program Clients and impact: an assessment of Zambuko Trust, AIMS project report, USAID, Washington, p.98
6. Chen, Martha and Snodgrass, Donald, Managing resources, activities and risk in urban India: the impact of microfinance, AIMS, USAID, Washington 2001, p. 98
7. اشتغال برحسب نفر ساعت (به طور متوسط) در هفته یا ماه قبل از بررسی، اندازه‌گیری شده است.
8. بزرگترین بانک تخصصی خدمات مالی خرد در کشور پرو. Mibanco به معنای "بانک من" (My Bank) است

9. Landless People's Development Fund of CARD
10. Hossain, Mahabub and Diaz, Catalina, reaching the poor with effective micro credit: evaluation of a Grameen bank replication in the Philippines, IRRRI conference, Los Banos, June 1997the
11. Khandker, Shahidur, Samad, Hussain and Khan, Zahed, Income and employment effects of micro-credit programmes: village-level evidence from Bangladesh, Journal of Development Studies, vol.35, No.2, December 1998, pp.96-124
12. Bangladesh Rural Advancement Committee (BRAC)
13. Bangladesh Rural Development Board's Rural Development Project 12 (RD-12)

اعتبارات خرد در بنگلادش) ساختار مشاغل (حقوق‌بگیر) در بخش روستایی غیر رسمی به خوداشتغالی تغییر یافته است اما افزایش تولید و اشتغال کل به علت فقدان تغییرات تکنولوژیکی ثابت باقی مانده است.

به طور کلی می‌توان مطالعات در این حوزه را به دو قسمت تقسیم کرد: مطالعاتی که تأثیر اعتبارات را بر روی یک یا چند نوع شغل آزمون می‌کنند و مطالعاتی که به تجزیه و تحلیل مسیر جایگزینی و به عبارت دیگر رشد و توسعه مشاغل می‌پردازند. از منظر دوم مشتریان مؤسسات تأمین مالی خرد افرادی هستند که دارای مجموعه‌ای از فعالیت‌های درآمدزا (کسب و کارهای خانوادگی) هستند و به سمت یک فعالیت اختصاصی متمرکز شده‌اند و به عبارت دیگر برای تشکیل یک کسب و کار خرد^۱ واقعی حرکت می‌کنند. که این مسیر البته باید همراه با افزایش انباشت سرمایه، دارایی‌ها، گردش سرمایه و بهره‌وری نیروی کار باشد و در نهایت بنگاه رسمی کوچکی با شغل‌های استاندارد تشکیل خواهد شد.

با نگاه گذرا به مطالعات تجربی متوجه خواهیم شد که اعتبارات و دیگر خدمات مالی به طور مستقیم و فوری منجر به اشتغال نمی‌شود و بستگی به نحوه استفاده از منابع مالی دارد. تصمیم درباره استفاده از این منابع ممکن است از هدف توافق شده قبلی متفاوت باشد. میزان مؤثر بودن اعتبارات در ایجاد و توسعه اشتغال بستگی به درآمد، مصرف و پس‌انداز/ سرمایه‌گذاری مشتری دارد.

کسب و کارهای خانوادگی نسبتاً به صورت انعطاف‌پذیری پول را در جهت فعالیت‌های موقعیتی درآمدزا، سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی، تحصیل و مصرف فرزندان استفاده می‌کنند. همچنین ممکن است شخصی که دریافت کننده وام از مؤسسه تأمین مالی خرد می‌باشد، خود مصرف کننده آن وام نباشد.^۲

با نزدیک شدن به خط فقر یک کسب و کار خانوادگی ریسک‌گریزتر از یک کسب و کار تخصصی می‌باشد و ریسک‌گریزی تمایل به سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های تولیدی جدید که تقویت کننده اشتغال است را محدود می‌سازد. هولم و موسلی شواهد اندکی در تأثیر وام‌های خرد بر روی ابداعات تکنولوژیکی و افزایش بهره‌وری نیروی کار مشاهده کرده‌اند.

به خاطر ریسک‌گریزی، کسب و کارهای خانوادگی تمایل دارند که مجموعه فعالیت‌های درآمدزای خودشان را ادامه دهند. اگر چه این به عنوان یک استراتژی متنوع‌سازی

ریسک و مدیریت ریسک قابل قبول است ولی نشانگر محدودیت‌های دارایی‌های مولد است و بنابراین این استراتژی منجر به توسعه بهره‌وری و در نتیجه افزایش دستمزدها نخواهد شد.

سهولت جایگزینی برای نیروی کار فامیلی بدون مزد و نیروی کار حقوق‌بگیر در بخش‌های مختلف و فعالیت‌های مختلف متفاوت است. به دلیل وجود محدودیت‌های جایگزینی و قیدها در انتخاب بین نیروی کار، کسب و کارهای خانوادگی بیشتر تمایل دارند از نیروی کار خویشاوندی استفاده نمایند. مالک کسب و کارهای کوچک و خانواده آنها ممکن است افزایش میزان ساعات کاری خودشان را به استخدام نیروهای بیرونی ترجیح دهند (بدون توجه به نرخ نهایی نیروی کار خودشان) و در شرایطی که قوانین سخت و محکمی در بازارهای رسمی نیروی کار وجود دارد این وضعیت بیشتر اتفاق می‌افتد.

۲-۲- مطالعات انجام شده در ایران

در طرح مطالعاتی که توسط مرکز تحقیق و توسعه بانک کشاورزی تحت عنوان "بررسی اثر اعتبارات بانک کشاورزی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی" انجام گردیده است با مراجعه به ۶۷۰ بهره‌بردار کشاورزی در سطح استان‌های فارس، مازندران و آذربایجان شرقی و تکمیل پرسشنامه و با کمک تخمین مدل پروبیت و همچنین بررسی‌های مدیریتی و توصیفی مزارع مورد مطالعه، اثر اعتبارات بر ارزش افزوده در استان‌های منتخب مورد بررسی قرار گرفته است. اطلاعات مورد نیاز مطالعه در تابستان سال ۱۳۸۴ جمع‌آوری گردیده است. اهداف مطالعه مذکور مشتمل بر شناسایی برخی ویژگی‌های اعتبارات خرد پرداختی در سطح بهره‌برداران‌های مورد مطالعه، تجزیه و تحلیل مدیریتی اثر اعتبارات خرد بر تولید و درآمد مزرعه و بررسی اثر اعتبارات بر تولید برخی محصولات زراعی می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که مزارعی که از سطح زیرکشت و دارایی بیشتری برخوردارند به اعتبارات بزرگتر دسترسی دارند. از طرفی نتایج ضریب همبستگی پیرسون در شهرستان مرودشت نشان می‌دهد که بین سطح زیرکشت و میزان وام دریافتی، ارتباط مثبت و در عین حال ضعیفی برقرار است. به عبارتی تا حدودی، با افزایش سطح زیرکشت، میزان وام دریافتی افزایش می‌یابد و با کاهش سطح زیرکشت، میزان وام دریافتی کاهش می‌یابد. نتایج حاصل از برآورد مدل پروبیت برای زارعین گندمکار شهرستان‌های مرودشت و بهشهر و زارعین برنج‌کار شهرستان ساری نشان داد که در شهرستان مرودشت، متغیرهای سطح تحصیلات، شرکت در کلاس ترویجی و مساحت کل زمین در دسترس زارع در جهت مثبت و متغیر سن زارع در جهت منفی دریافت

1. micro enterprise

۲. بر طبق مطالعات انجام شده توسط مؤسسه غیرانتفاعی "کاشف" حدود ۳۰ الی ۴۰ درصد مشتریان در سال ۲۰۰۳ شغل شخصی داشتند و در مورد بقیه مشتریان همسر، فرزندان و سایر خویشاوندان استفاده کننده از اعتبار برای فعالیت‌های خانوادگی بودند.

اعتبار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در شهرستان ساری متغیرهای سطح تحصیلات، تجربه کشاورزی و کشاورزی به عنوان شغل اصلی تأثیر مثبت و متغیر سن زارع تأثیر منفی بر دریافت وام دارند.

به طور کلی می‌توان گفت مطالعه فوق بیشتر به شناسایی عوامل مؤثر برای دریافت اعتبارات می‌پردازد و موضوع تأثیر اعتبارات را بررسی نمی‌کند.

بخشوده و سلامی (۱۳۸۴) نیز در مطالعه خود ضمن تشریح چگونگی توزیع اعتبارات بانک کشاورزی در سال های اخیر کوشش کرده‌اند تا تأثیر اعتبارات تکلیفی این بانک بر روی کاهش فقر را بررسی کنند. بدین منظور داده‌های مربوط به تبصره‌های مرتبط با ایجاد اشتغال و فقرزدایی به تفکیک استان‌های مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و برای هر یک از مراکز دریافت کننده این گونه اعتبارات شاخص فقر محاسبه و سطح فقر آن تعیین شده است. با تعیین فقر نسبی سرانه در مناطق روستایی استان های کشور و مقایسه آن با اعتبارات تخصیص یافته از سوی بانک در استان های مختلف ارتباط این دو با بهره‌گیری از روش مدل خطی عمومی (GLM) مشخص شده است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که گرچه اختلاف معنی‌داری بین میانگین تسهیلات اعطایی بانک به استان های مختلف وجود دارد اما تفاوت معنی‌داری بین متوسط سرانه اعتبار تخصیص یافته به روستائیان وجود ندارد. این مطالعه نیز همانند مطالعه قبلی، وضعیت توزیع اعتبارات در کشور را مورد بررسی قرار داده است و به تجزیه و تحلیل اثر اعتبارات پرداخته نشده است.

در طرح پژوهشی دیگری که توسط بانک کشاورزی با عنوان "بررسی فعالیت های بانک کشاورزی در ارتباط با تسهیلات ارائه شده به زندانیان آزاد شده در سراسر کشور" انجام گردیده است، نقش اعتبارات خرد در ایجاد اشتغال و فقرزدایی و توانمندسازی زندانیان آزاد شده مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق میزان کارایی تسهیلات و اعتبارات اعطایی و چگونگی فرآیند وام‌دهی، میزان رضایت مددجویان، نقاط ضعف و قوت مدیریت مؤثر وام‌دهی و ارزیابی توان دسترسی مددجویان به منابع اعتباری مورد تحلیل قرار گرفته است.

نتایج این طرح نشان می‌دهد که اعتبارات تخصیص یافته (که ۹۶ درصد آنها کمتر از ۲۰ میلیون ریال بوده است) کارایی چندانی در پیشبرد و اجرای طرح‌های هدف نداشته است که این امر بیشتر ناشی از میزان اندک تسهیلات و اعتبارات تخصیص یافته می‌باشد.

سعدی و عرب مازار با مطالعه زنان سرپرست خانواری که تحت پوشش طرح حضرت زینب (س)^۱ قرار داشته و بین هدف اصلی این طرح ایجاد اشتغال پایدار برای زنان سرپرست خانوار می‌باشد.

سال های ۱۳۷۷ و ۱۳۸۱ برای انجام فعالیت های تولیدی از بانک کشاورزی تسهیلات قرض‌الحسنه دریافت کرده‌اند، بیان می‌کنند که درآمد زنان بعد از دریافت تسهیلات سه برابر شده است!! ایشان پیشنهاد می‌کنند مبلغ هر فقره از تسهیلات اعطایی باید افزایش یابد چرا که ایجاد اشتغال پایدار با مبلغ فعلی (میانگین ۲/۶۵ میلیون ریال) تا حدی مشکل است. از نظر ۱۴/۸ درصد از زنان مورد مطالعه، طرح حضرت زینب(س) موفق نبوده و نتوانسته است به اهداف خود دست پیدا کند. در مقابل ۴۳/۳ درصد معتقدند این طرح تا حدی موفق بوده است. ۳۴/۶ درصد از زنان تأثیر طرح را بر زندگی خودشان مثبت قلمداد نموده‌اند و ۷/۳ درصد اظهار نموده‌اند که طرح توانسته است به اهداف خود کاملاً دست پیدا کند.^۲

معظمی و دیگران (۱۳۸۴)^۳ نیز برنامه اعتبار خرد برای زنان روستایی که توسط وزارت جهاد کشاورزی اجرا گردیده است را مورد مطالعه قرار داده‌اند. مطالعات میدانی انجام شده در استان هرمزگان نشان می‌دهد که ۸۰ درصد از زنان قبل از گرفتن وام فعالیت هایی انجام می‌داده‌اند که درآمدزا بوده است و مهم ترین آنها فعالیت های مربوط به صنایع دستی و خیاطی است. این فعالیت ها، اشتغالی نسبتاً تمام وقت برای افراد فراهم می‌کرده‌اند.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که وام‌ها نتوانسته‌اند بر نوع فعالیت تأثیر چندانی بگذارند، به این معنا که فرد وام‌گیرنده فعالیت سنتی قبلی را دنبال می‌کند و وام‌ها در ۲۰ درصد موارد توانسته‌اند فرصتی برای خود اشتغالی ایجاد کنند. از کل اعضا ۲۲ درصد هیچ تغییری در میزان دارایی‌های خود که بتوان آن را به وام استناد کرد گزارش نکرده‌اند و در ۷۸ درصد موارد تغییر در دارایی به دلیل دریافت وام گزارش شده است بعضی از این دارایی‌ها مولد بوده که به طور عمده به چرخ خیاطی و گلدوزی بوده است که می‌توانند در جریان درآمدی آتی عضو نیز اثرگذار باشند (۹۶ درصد) و بعضی شامل کالاهای خانگی نظیر کولر و یخچال بوده است که صرفاً اثر رفاهی داشته است (۴ درصد).

به طور کلی این برنامه موفقیت‌هایی در زمینه افزایش دسترسی زنان کم‌درآمد روستایی به وام داشته است و در مقایسه با برنامه‌های دیگر در سطح بین‌المللی به لحاظ پایداری عملکرد متوسطی داشته است.

معاونت برنامه‌ریزی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه

۲. سعدی، حشمت‌اله، عرب‌مازار، عباس. نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی تجربه بانک کشاورزی. مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد، توسعه روستایی و فقرزدایی. تهران آذر ۸۴

۳. معظمی، میترا، رحیمی، عباس. طائفه حیدری، اعظم. بررسی پوشش و پایداری برنامه‌های اعتبار خرد (مطالعه موردی- صندوق اعتبار خرد برای زنان روستایی) مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد، توسعه روستایی و فقرزدایی. تهران آذر ۸۴

اجتماعی نیز به بررسی عملکرد طرح ضربتی اشتغال پرداخته است.^۱ طرح ضربتی اشتغال براساس ماده ۵۶ و ماده ۴۹ قانون برنامه سوم توسعه از سال ۱۳۸۱ به مرحله اجرا رسید^۲ و طی این دو ماده قانونی به کارفرمایانی که یک نیروی کار را استخدام می‌کردند مبلغ ۳۰ میلیون ریال وام پرداخت گردید و دولت متعهد شد که حق بیمه سهم کارفرما را به مدت ۵ سال متعهد شود. کل اعتبار طرح بالغ بر ۹۰۰۰ میلیارد ریال بوده است که این اعتبار از محل سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز تأمین شده بود. در این طرح بیکاران ساکن در روستاها، زنان بیکار سرپرست خانوارها و همچنین حرفه آموختگان فنی و حرفه‌ای در اولویت بوده‌اند.

در الگوی اقتصادسنجی طرح فوق‌الذکر (که از داده‌های کلان استفاده شده است) عوامل مؤثر بر اشتغال مورد بررسی قرار گرفته است و در این راستا تأثیر اعتبارات اشتغالزایی طرح ضربتی با استفاده از متغیر مجازی مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج این تخمین بیانگر آن است که تولید ناخالص داخلی واقعی، موجودی سرمایه با یک وقفه زمانی و اعتبارات بانکی به بخش غیردولتی با یک وقفه زمانی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اشتغال دارد و حداقل دستمزد واقعی تأثیر منفی و معنی‌دار بر سطح اشتغال دارد. نتیجه‌گیری اصلی این مطالعه این است که اعتبارات اشتغالزایی طرح ضربتی اشتغال (که به صورت متغیر مجازی وارد مدل شده است) عملاً تأثیری بر انتقال تقاضای نیروی کار نداشته است.

طرح پژوهشی "ارزیابی توزیع ماشینی تسهیلات خوداشتغالی" نیز با هدف ارزیابی عملکرد سیستم توزیع ماشینی تسهیلات خوداشتغالی از نظر درصد راه‌اندازی کسب و کارهای مربوطه و شناسایی عملکرد عوامل مؤثر بر راه‌اندازی کسب و کار و ارائه راهکارهایی برای بهبود گزینش متقاضیان برای اعطای تسهیلات خوداشتغالی در سال ۸۴ انجام گرفته است. طرح پژوهشی مذکور به صورت مطالعه میدانی انجام گردیده است و نتایج این طرح الگویی را برای تخصیص تسهیلات جدید معرفی کرده است.^۳

۳- توصیف جامعه و نمونه آماری

۳-۱- جامعه آماری

همان طور که در بخش‌های گذشته نیز ذکر شد، در این

تحقیق قصد داریم اثر اعتبارات خرد را بر ایجاد اشتغال مورد بررسی قرار دهیم. مطالعاتی که در زمینه تأمین مالی خرد انجام می‌شوند اغلب مطالعه خود را به یک و یا حداکثر چند طرح اعتبار خرد مشابه محدود می‌نمایند، زیرا محدودیت‌های بودجه‌ای در اکثر موارد مطالعه همزمان کلیه طرح‌های اعتبار خردی را که در یک کشور در حال انجام است، غیر ممکن می‌سازد. اما مطالعه مؤسسات یا سازمان‌های اعتبار خرد در کشور ایران با مشکلات عدیده‌ای توأم است، زیرا در ایران نهاد یا مؤسسه‌ای که بتوان به معنای واقعی کلمه، آنرا مؤسسه تأمین مالی خرد نامید وجود ندارد. در ایران بخش نسبتاً بزرگی از وام‌های خرد توسط مؤسسات مالی رسمی مانند بانک‌های تجاری پرداخت می‌گردد. هرچند ممکن است مبلغ این گونه وام‌ها پایین باشد، اما هر وامی را که مبلغ آن پایین باشد، نمی‌توان وام خرد به شمار آورد، زیرا وام خرد علاوه بر پایین بودن مبلغ از لحاظ شرایط انعقاد قرارداد وام نیز با وام‌های عادی متفاوت است و به گونه‌ای طراحی می‌شود که قرارداد آن پیچیدگی‌های کمتری داشته باشد تا طبقات فقیر و محروم جامعه که بسیاری از آنها کم‌سواد یا بیسواد هستند توانایی و انگیزه کافی برای استفاده از این وام‌ها را داشته باشند. از طرف دیگر شرایط مربوط به وثیقه نیز در مورد این وام‌ها با وام‌های عادی متفاوت است تا فقرایی که اغلب فاقد دارایی‌های باارزش هستند، به خاطر عدم توانایی پرداخت وثیقه از دریافت این وام‌ها محروم نگردند. اینها پاره‌ای از دلایلی است که با استناد به آنها می‌توان چنین استدلال نمود که وام‌هایی را که بانک‌های تجاری پرداخت می‌نمایند، تنها به صرف پایین بودن مبلغ، نمی‌توان وام یا اعتبار خرد تلقی کرد.

از جمله مؤسسات مالی رسمی که به ارائه وام‌هایی با مبلغ پایین می‌پردازند می‌توان به بانک کشاورزی اشاره کرد که در واقع یک بانک تجاری تخصصی است. لکن بررسی شرایط پرداخت وام‌های کوچک در بانک کشاورزی و همچنین تماس و گفتگوی با کارشناسان آن، نشان می‌دهد که در این بانک وام‌های با مبلغ پایین از لحاظ مراحل و تشریفات اداری و همچنین شرایط اخذ وام تفاوت عمده‌ای با سایر وام‌ها ندارند و لذا نمی‌توان آنها را وام خرد تلقی کرد.

اما علاوه بر بانک‌های تجاری مؤسسات دیگری نیز وجود دارند که به انحاء مختلف به ارائه وام به برخی اقشار آسیب‌پذیر جامعه می‌پردازند که از جمله آنها می‌توان به "صندوق مهر امام رضا (ع)" و "کمیته امداد امام خمینی (ره)" اشاره نمود. کمیته امداد امام خمینی نهادی است که انحصاراً برای رسیدگی به وضعیت اقشار محروم و نیازمند جامعه و کمک به بهبود وضع آنها طراحی شده است. این کمیته به برخی از خانوارهای فقیر تحت پوشش خود که

۱. پژویان، جمشید. بررسی عملکرد طرح ضربتی اشتغال. وزارت کار و امور اجتماعی معاونت برنامه‌ریزی و اشتغال. ۱۳۸۳
۲. لازم به ذکر است که طرح مذکور در ماه‌های پایانی ۱۳۸۰ به اجرا درآمد و لی بدلیل مختلف متوقف گردید.
۳. طرح ارزیابی توزیع ماشینی تسهیلات خوداشتغالی. وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی. شهریور ۱۳۸۴

برای رسیدن به خودکفائی واجد شرایط لازم تشخیص داده می‌شوند، وام‌هایی تحت عنوان "وام خودکفائی" می‌پردازد که به این خانوارها در راه‌اندازی کسب و کارهای درآمدزا یاری می‌رساند. این وام‌ها از یک طرف تنها به خانوارهای نیازمند و مددجویانی پرداخت می‌شوند که وضعیت آنها از جانب کمیته امداد بررسی و از جانب این کمیته محتاج و نیازمند کمک تشخیص داده شده‌اند. از طرف دیگر به افرادی که این وام‌ها را دریافت می‌نمایند آموزش‌های مناسب کسب و کار داده می‌شود تا پس از دریافت وام احتمال موفقیت تجاری کسب و کاری که راه‌اندازی می‌کنند به حداکثر برسد. بنابراین می‌توان گفت که این وام‌ها دارای خصیصه‌ای می‌باشند که یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های هر وام خردی است: یعنی فقرای کارآفرین را هدف قرار می‌دهند. اما یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های وام‌های خودکفائی با اعتبار خرد آن است که این وام‌ها به صورت سهمیه‌ای و محدود به افراد تعلق می‌گیرند و لذا حمایت‌هایی که از ناحیه این وام‌ها ارائه می‌گردد مقطعی و کوتاه مدت است، حال آن‌که برنامه‌های اعتبار خردی که در سایر نقاط دنیا به اجرا درمی‌آیند اغلب دارای ماهیت بلند مدت هستند و اعضای خود را در طول زمانی نسبتاً طولانی تحت پوشش قرار می‌دهند.

اما در بررسی کمیته امداد امام خمینی تنها مسئله‌ای که بروز می‌کند، مسئله تفاوت در شکل، مقدار و نوع وام نیست بلکه بررسی خود این نهاد و مقایسه آن با مؤسسات اعتبار خرد در سایر نقاط دنیا نشان می‌دهد که این مؤسسه دارای تفاوت‌های ساختاری اساسی با مؤسسات اعتبار خرد سایر نقاط دنیاست. این بدان دلیل است که اکثر مؤسسات اعتبار خرد موجود در سایر کشورهای دنیا سعی می‌کنند که منابع خود را حداقل تا حدودی از طریق جذب پس‌اندازهای خانوارهای فقیر و تا حدودی نیز از طریق بازارهای مالی کشورهای خود تأمین نمایند، حال آن‌که کمیته امداد بیشتر منابع خود را از طریق بودجه دولت و کمک‌های افراد خیر تأمین می‌نماید. بنابراین کمیته امداد پیش از آن که یک مؤسسه اعتبار خرد تلقی گردد، یک مؤسسه خیریه به شمار می‌آید.

از دیگر مؤسساتی که در سال‌های اخیر برای رسیدگی به وضعیت یک قشر خاص از افراد نیازمند طراحی شده است، می‌توان به صندوق مهر امام رضا اشاره کرد. طبق مصوبه شورای عالی اداری در تاریخ ۱۳۸۷/۱/۱۶ "صندوق اشتغال و ازدواج مهر امام رضا" از ادغام سه صندوق "اندوخته ازدواج جوانان"، "توسعه اشتغال روستایی" و "حمایت از فرصت‌های شغلی" تشکیل گردید. هدف اصلی این صندوق ارائه تسهیلات به جوانان برای امور ازدواج و اشتغال است و به همین جهت نیز می‌توان گفت که این صندوق یکی

از مهم‌ترین اقشار نیازمند جامعه، یعنی جوانان، را مورد توجه قرار داده است.

در سایت صندوق (بازدید شده در ۲۴ فروردین ۱۳۸۷)، پرداخت تسهیلات به کسب و کارهای خرد و کوچک و تأمین سرمایه واحدهای خوداشتغالی به صراحت به عنوان اهداف اصلی ذکر گردیده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که فعالیت‌های این صندوق با فعالیت‌های یک نهاد تأمین مالی خرد، دارای وجوه اشتراک بسیاری است، به طوری که به نظر می‌رسد که بسیاری از اهداف و فعالیت‌هایی که برای صندوق طراحی گردیده ملهم از اهداف و فعالیت‌های یک مؤسسه تأمین مالی خرد است. مرور مطالبی که در رسانه‌ها و در وبسایت خود صندوق درج شده نشان می‌دهد که این صندوق توانایی دریافت سپرده‌های قرض‌الحسنه را دارد و همچنین یک حساب به شماره ۸۸۸۸ نیز در اختیار دارد که کمک‌های بلاعوض افراد خیر را دریافت می‌نماید. دریافت و جمع‌آوری سپرده باعث می‌شود که این صندوق نسبت به کمیته امداد امام خمینی شباهت‌های بیشتری به یک مؤسسه تأمین مالی خرد داشته باشد.

از دیگر مؤسساتی که به صورت تخصصی برای ارائه اعتبارات خرد به اقشار فقیر و آسیب‌پذیر جامعه طراحی شده است صندوق اعتبار خرد زنان روستایی است که توسط دفتر امور زنان روستایی وزارت جهاد کشاورزی تأسیس شده است. اما این مؤسسه نیز هنوز نوباست و تنها بخش بسیار اندکی از جمعیت را تحت پوشش خود قرار می‌دهد.

با توجه به آنچه که بیان شد، چنین به نظر می‌رسد که برای مطالعه اثر اعتبارات خرد در ایران دو راه وجود دارد. راه اول آن است که از بین تعدادی اندک از مؤسسات که به نوعی و با شباهت‌های کم و بیش به مؤسسات اعتبار خرد به پوشش اقشار نیازمند جامعه می‌پردازند یکی را انتخاب و به مطالعه آن بپردازیم. در این مورد باید گفت که صندوق اعتبار خرد زنان روستایی هنوز بسیار کوچک است و به دلیل پوشش کم نتایجی که از مطالعه آن بدست می‌آید قابل تعمیم نیست. در مورد دو مؤسسه دیگر که ذکر آنها رفت، یعنی کمیته امداد امام خمینی و صندوق مهر امام رضا نیز باید گفت که مراجعات مکرر محققین به مسئولین این دو مؤسسه به نتیجه‌ای نرسید و آنها حاضر به همکاری برای انجام بخش میدانی این پژوهش نشدند.

اما راه دیگری که می‌توان به کمک آن به بررسی اثر اعتبارات خرد پرداخت آن است که به سراغ مؤسسات یا طرح‌هایی برویم که به ارائه همه نوع اعتبار (اعم از خرد و غیرخرد) می‌پردازند و از بین این اعتبارات تنها به مطالعه بخشی از آنها بپردازیم که در مقادیر خرد پرداخت گردیده است. برای این کار محققین حاضر طرح "بنگاه‌های زودبازده" را که در سال ۱۳۸۴ در بدو روی کار آمدن دولت نهم

داده‌ایم. هرچند که نمونه‌گیری خوشه‌ای برخی مزایای انواع دیگر نمونه‌گیری، مانند نمونه تصادفی ساده یا نمونه طبقه‌ای را ندارد، لکن یکی از مهم‌ترین مزایای آن این است که پراکندگی جغرافیایی نمونه را تا حدود زیادی کاهش می‌دهد، لذا در بسیاری موارد در عالم واقعیت این تنها نوع نمونه‌گیری است که با بودجه تحقیق هماهنگی دارد و انجام آن در عمل امکان‌پذیر است. تحقیق حاضر نیز از این قاعده مستثنی نیست. استفاده از روش‌های دیگر در این تحقیق موجب می‌شد که نمونه به دست آمده از لحاظ جغرافیایی پراکندگی بسیاری داشته و لذا مشاهده تمامی اعضای نمونه در عمل بسیار پر هزینه باشد، لذا تنها روش ممکن برای انجام پیمایش استفاده از یک روش نمونه‌گیری خوشه‌ای بود.

برای به دست آوردن حجم نمونه مناسب، لازم بود تا تخمینی از واریانس متغیرهای مورد اندازه‌گیری در اختیار داشته باشیم. در این تحقیق هدف اصلی اندازه‌گیری میزان اشتغال ایجاد شده در بنگاه‌هایی است که وام‌های زودبازده دریافت نموده‌اند. به همین سبب لازم بود تخمینی از میزان واریانس این متغیر بدست آید. از آنجا که میزان اشتغال پیش‌بینی شده طرح‌ها در پایگاه اطلاعاتی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی موجود بود، تصمیم گرفته شد که از واریانس اشتغال پیش‌بینی شده به عنوان تخمینی از واریانس اشتغال ایجاد شده استفاده شود. بنابراین، در مرحله اول نمونه‌گیری، واریانس اشتغال پیش‌بینی شده در سطح استان و در مرحله بعد نیز واریانس اشتغال پیش‌بینی شده در شهرستان مورد استفاده قرار گرفت و به این ترتیب در مرحله اول استان‌های تهران، خراسان جنوبی، فارس و آذربایجان شرقی و در مرحله دوم شهرستان‌های آذرشهر، کلیمبر، مرند، تهران، دماوند، بیرجند، قاینات، جهرم و شیراز به عنوان شهرستان‌های حاضر در نمونه انتخاب شدند. در مرحله آخر نیز در داخل هریک از شهرستان‌های نمونه یک نمونه‌گیری تصادفی ساده انجام شده است. جدول (۱) ترکیب نمونه این تحقیق را نشان می‌دهد.



جمهوری اسلامی طراحی و به معرض اجرا گذارده شده، برگزیده‌اند. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که در این تحقیق هدف ما بررسی عملکرد طرح بنگاه‌های زودبازده و یا نگرش کلی و کلان به آن نیست. بلکه در این تحقیق تنها آن بخش از این طرح را که به ارائه اعتبارات خرد پرداخته (اعتبارات کمتر از ۱۰۰ میلیون ریال) مورد بررسی قرار می‌دهیم و سعی می‌کنیم دریابیم که آیا این بخش از اعتبارات طرح بنگاه‌های زودبازده تأثیری در رفع بیکاری و ایجاد اشتغال داشته است یا خیر؟

برای انجام این پژوهش، اطلاعات مربوط به طرح بنگاه‌های زودبازده، از بدو اجرا تا مهر ۱۳۸۶، از مرکز آمار و اطلاعات بازار کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، جمع‌آوری شد. بررسی این اطلاعات نشان می‌دهد که از زمان تصویب آیین‌نامه اجرایی طرح بنگاه‌های زودبازده در آبان ۱۳۸۴ تا پایان نیمه دوم ۱۳۸۶ به حدود ۱۸۴،۰۰۰ طرح زودبازده در مجموع تسهیلاتی به مبلغ ۴۳۵۹۰ میلیارد ریال اعطاء شده است. از کل طرح‌های زودبازده که در طی دوره مطالعه تسهیلات دریافت نموده‌اند، ۸۰ درصد آنها طرح‌هایی با مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال و کمتر بوده‌اند. اما هرچند تسهیلات خرد از لحاظ تعداد حدود ۸۰ درصد طرح‌های زودبازده را تشکیل می‌دهند، از لحاظ مقدار سهم آنها از کل تسهیلات زودبازده پرداخت شده تنها ۱۷/۳ درصد است که این خود مؤید ناهمگنی شدید در توزیع تسهیلات است و نشان می‌دهد که کمتر از ۱۸ درصد تسهیلات به چهار پنجم متقاضیان و بیش از ۸۰ درصد به یک پنجم متقاضیان اختصاص یافته است.

۲-۲- روش نمونه‌گیری

همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر شده، اطلاعات لازم برای انجام این تحقیق از مرکز آمار و اطلاعات بازار کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه شد. در پایگاه اطلاعاتی دریافت شده از این وزارتخانه، اطلاعات مربوط به عنوان طرح‌های زودبازده دریافت‌کننده وام، نام و نشانی مجری، میزان اعتبار تخصیص یافته به هر طرح، تاریخ دریافت اعتبار، میزان اشتغال پیش‌بینی شده و... موجود بود. این اطلاعات که مربوط به دریافت‌کنندگان وام‌های زودبازده از نیمه دوم سال ۱۳۸۴ تا مهر ۱۳۸۶ بود، چهارچوب نمونه‌گیری این تحقیق را تشکیل می‌دهد. برای به دست آوردن یک نمونه مناسب از چهارچوب فوق‌الذکر، از روش "نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای" استفاده شده است. برای به دست آوردن یک نمونه خوشه‌ای دومرحله‌ای، چهارچوب آماری در دو مرحله به بخش‌هایی تقسیم می‌شود که به هریک از آنها یک خوشه گفته می‌شود. در اینجا، در مرحله اول استانهای کشور و در مرحله دوم، شهرستان‌ها را به عنوان خوشه‌ها مورد استفاده قرار

جدول ۱: محاسبات مربوط به حجم نمونه

استان	شهرستان	تعداد طرح در شهرستان	اشتغال پیش بینی شده	میانگین اشتغال پیش بینی شده	انحراف معیار اشتغال پیش بینی شده	حجم نمونه با آلفای ۱۰ درصد و خطای ۱۰ درصد
آذربایجان شرقی	آذرشهر	۷۴۶	۱۱۰۴	۱,۴۷۹,۸۹۳	۰,۹۷۷,۷۳۸	۶۵,۴۰۴۳۶
	کلیبر	۴۸۳	۴۹۸	۱,۰۳۱,۰۵۶	۰,۴۵۲,۱۳۷	۲۹,۶۴۴۱۹
	مرند	۵۰۹	۶۴۷	۱,۲۷۱,۱۱۲	۱,۲۰۷,۴۱۳	۱۱۴,۷۷۲۹
جمع						۲۰۹,۸۲۱۵
تهران	تهران	۲۲۰	۲۳۳	۱,۰۵۹,۰۹۱	۰,۶۲۰,۱۷۸	۴۴,۸۳۸۷۲
	دماوند	۱۰۱۶	۱۰۱۹	۱,۰۰۲,۹۵۳	۰,۰۹۴,۱۱۸	۱,۴۴۴۲۵
جمع						۴۶,۲۸۲۹۷
خراسان جنوبی	بیرجند	۳۱۰	۳۶۴	۱,۱۷۴,۱۹۴	۰,۴۹۱,۳۲۸	۲۶,۳۱۵۳۸
	قاینات	۱۲۵	۱۲۸	۱,۱۰۴	۰,۳۹۸,۰۰۶	۱۸,۲۳۶۵۷
جمع						۴۴,۵۵۱۹۵
فارس	جهرم	۴۷۸	۵۹۱	۱,۲۳۶,۴۰۲	۰,۷۶۶,۵۵۳	۵۵,۷۶۵۱۸
	شیراز	۱۵۳۱	۱۸۰۶	۱,۱۷۹,۶۲۱	۰,۷۲۳,۸۲۶	۵۹,۴۳۷۳۱
جمع						۱۱۵,۲۰۲۵
جمع کل						۴۱۵,۸۵۸۹

جدول فوق محاسبات مربوط به حجم نمونه را با توجه به میانگین و انحراف معیار اشتغال پیش‌بینی شده نشان می‌دهد. در جدول فوق تنها یک مشکل وجود دارد و آن این است که در مورد شهرستان دماوند، به علت کم بودن انحراف معیار اشتغال پیش‌بینی شده، حجم نمونه بسیار کوچک است. برای برطرف نمودن این مشکل محققین مصلحت دیدند که حجم نمونه این شهرستان را به ۳۵ پرسشنامه افزایش دهند که به این ترتیب حجم کل نمونه برابر با ۴۴۹ خواهد بود.

لازم به ذکر است با توجه به حجم نمونه فوق الذکر، در سطح شهرستان می‌توان فرضیه‌هایی با سطح معنی‌داری ۹۵ درصد و خطای نسبی ۱۰ درصد تخمین زد. این درحالی است که در سطح استان سطح معنی‌داری ۸۰ درصد و سطح خطا ۴۰ درصد و در سطح کشور نیز معنی‌داری ۸۰ درصد و خطا ۳۳ درصد خواهد بود. این سطح معنی‌داری و درصد خطا حداکثر مقدار ممکن است که با توجه به بودجه تحقیق دستیابی به آن امکان‌پذیر بود. لذا ملاحظه می‌شود که هرچند توان پیش‌بینی نمونه در سطح شهرستان خوب است، اما در تعمیم نتایج به سطح استان و سطح کشور نتایج تا حدودی دقت خود را از دست می‌دهند. همچنین این سطوح معنی‌داری و خطا تنها در صورتی در عمل قابل استفاده هستند که واریانس واقعی جامعه با واریانس پیش‌بینی شده تفاوت زیادی نداشته باشد. طبیعی است که اگر واریانس از مقدار تخمین زده شده کمتر (بیشتر) باشد، نتایج دقت بیشتری

(کمتری) خواهند داشت.

با توجه به روش نمونه‌گیری که در بخش قبل به آن اشاره شد، پرسشنامه‌های طراحی شده محققین در ماه‌های اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۷ در نه شهرستان حاضر در نمونه توزیع شد. در نهایت از این ۴۴۹ پرسشنامه توزیع شده ۳۸۵ پرسشنامه تکمیل شده و قابل استفاده به دست محققین رسید، که با این حساب می‌توان گفت درصد عدم پاسخگویی ۱۴ درصد بوده است.

از ۳۸۵ پاسخگویی که به پرسشنامه‌های این تحقیق پاسخ گفته‌اند، ۳۵۰ تن از ایشان اعلام نموده‌اند که پیش از دریافت وام نیز شاغل بوده‌اند. ۳۱ نفر پیش از دریافت وام کار نمی‌کرده‌اند و وضعیت خوداشتغالی ۴ نفر از پاسخگویان نیز پیش از دریافت وام نامشخص است. به این ترتیب نمی‌توان گفت که وام‌های زودبازدهی که به پاسخگویان نمونه ما پرداخت شده، به صورت اولی افراد بیکار را هدف قرار داده باشند، زیرا تنها ۸ درصد این وام‌ها به افرادی پرداخت شده که به احتمال زیاد در زمان دریافت وام بیکار بوده‌اند. همچنین از ۳۵۰ نفری که پیش از وام شاغل بوده‌اند، ۳۳۲ تن اعلام نموده‌اند که پیش از دریافت وام نیز به انجام همان کسب و کاری می‌پرداخته‌اند که وام زودبازده خود را در آن هزینه نموده‌اند. بنابراین نمی‌توان گفت که در اعطای وام پاسخگویانی که قصد راه‌اندازی کسب و کار جدید را داشته‌اند، در اولویت بوده‌اند، زیرا ۸۶ درصد وام‌ها به پاسخگویانی اعطا شده که کسب و کار خود را پیش از دریافت وام راه‌اندازی کرده بودند.

جدول ۲: وضعیت اشتغال پاسخگویان پیش و پس از دریافت وام

نسبت	نفر	
۰,۹۱	۳۵۰	پاسخگویانی که پیش از دریافت وام کار می‌کرده‌اند
۰,۰۸	۳۱	پاسخگویانی که پیش از دریافت وام کار نمی‌کرده‌اند
۰,۰۱	۴	پاسخگویانی که وضعیت اشتغال آنها پیش از وام نامشخص است
۱	۳۸۵	جمع

برای اندازه‌گیری میزان تغییر در خود اشتغالی از پاسخگویان خواسته شده که تعداد روزهای کار در هفته و تعداد ساعات کار خود در روز را پیش و پس از دریافت وام اعلام نمایند که از ضرب این دو رقم در یکدیگر می‌توان تعداد ساعات کار در هفته را برای کلیه پاسخگویان محاسبه نمود. همچنین در اینجا میزان تغییر در اشتغالی مدنظر است که بتوان آن را به دریافت وام نسبت داد. به همین دلیل نیز میزان تغییر در اشتغال کسانی که وام را صرف کسب و کار ننموده‌اند (۹ نفر از پاسخگویان) در محاسبه لحاظ نشده است. علاوه بر پاسخگویانی که وام را صرف کسب و کار ننموده‌اند، میزان اشتغال ۱۰ نفر دیگر نیز، به دلیل نقص در پرسشنامه قابل محاسبه نیست. به این ترتیب میزان تغییر در اشتغال بر حسب اطلاعات موجود در ۳۶۶ پرسشنامه محاسبه شده است. از ۳۶۶ پاسخگویی که به این پرسشنامه‌ها پاسخ گفته‌اند، ۹۴ نفر افزایشی برابر با ۲۶۷۸ ساعت و ۶۲ نفر کاهش‌ی به میزان ۹۹۴ ساعت را در ساعات کار هفتگی خود گزارش نموده‌اند؛ میزان اشتغال ۲۱۰ تن از پاسخگویان نیز پس از وام نسبت به میزان پیش از وام ثابت مانده است. با این حساب، میزان اشتغال پاسخگویان بعد از وام نسبت به قبل از وام معادل ۱۶۸۴ ساعت در هفته افزایش یافته و از ۱۳۲۲۷ ساعت به ۱۴۹۱۱ ساعت در هفته رسیده. به عبارت دیگر، میزان اشتغال پاسخگویان پیش از دریافت وام، برابر با ۳۶ نفر ساعت در هفته بوده که پس از وام به ۴۰/۷ نفر ساعت در هفته رسیده است. از آنجا که ۳۶۶ پاسخگوی مورد نظر در مجموع وامی معادل ۴۰۹۵۲ میلیون ریال دریافت نموده‌اند، می‌توان گفت که برای افزایش هر یک نفر-ساعت در اشتغال هفتگی وامی معادل ۴۱۱۲۱ ریال هزینه شده است.

جدول ۳: تغییر میزان اشتغال هفتگی پاسخگویان قبل و بعد از دریافت وام

ثابت ماندن اشتغال	کاهش اشتغال	افزایش اشتغال	کل نمونه	
۲۱۰	۶۲	۹۴	۳۶۶	تعداد پاسخگو
۸۴۹۶	۱۶۷۵	۴۷۴۰	۱۴۹۱۱	ساعات کار در هفته پس از وام
۸۴۹۶	۲۶۶۹	۲۰۶۲	۱۳۲۲۷	ساعات کار در هفته پیش از وام
۰	-۹۹۴	۲۶۷۸	۱۶۸۴	میزان تغییر در ساعات کار در هفته

جدول ۴: متوسط وام هزینه شده برای ایجاد هر نفر ساعت اشتغال هفتگی

اشتغال هفتگی بر حسب نفر - ساعت برای ۳۶۶ پاسخگو	
۴۰,۷	پس از دریافت وام
۳۶,۱	پیش از دریافت وام
۴,۶	تغییر
۴۰۹۵۲,۰	اعتبار دریافت شده (میلیون ریال)
۴۱۱۲۱,۳	متوسط اعتبار هزینه شده به ازای هر یک نفر ساعت افزایش اشتغال (ریال)

نکته جالب توجهی که در زمینه خوداشتغالی در پرسشنامه‌ها مشاهده شده، میزان تغییر در خوداشتغالی به تفکیک جنس است. در صورتی که نمونه را به دو زیر نمونه زن و مرد تفکیک نماییم، درمی‌یابیم که میزان خوداشتغالی زنان پس از وام کاهش یافته است. هرچند که این تفاوت اندک بوده به طوری که می‌توان گفت که میزان اشتغال زنان پیش و پس از دریافت وام تقریباً ثابت بوده است، لکن این یافته محققین را به این نتیجه می‌رساند که میزان افزایش خوداشتغالی که در کل نمونه مشاهده شده، تماماً مربوط به تغییر در ساعات اشتغال هفتگی مردان بوده، و بنابراین وام‌های پرداخت شده تأثیری در افزایش میزان خوداشتغالی زنان نداشته است. یک دلیل عمده این امر می‌تواند کم بودن میزان وام واگذار شده به زنان نسبت به مردان باشد. همان طور که در قسمت‌های قبل نیز اشاره شد، هرچند که زنان دریافت‌کننده وام به طور نسبی از مردان جوان‌تر و باسوادتر بوده‌اند، لکن اعتبار تعلق گرفته به ایشان حدود یک سوم اعتبار تعلق گرفته به مردان بوده است. این نشان دهنده آن است که تبعیض جنسیتی یک عامل عمده تعیین‌کننده در ارائه وام‌ها بوده است. به عبارت دیگر مسئولین به جنس وام‌گیرنده بیش از سایر خصوصیات، همانند سن و تحصیلات، توجه داشته‌اند. همین امر موجب شده که اعتبار تعلق گرفته به زنان به مراتب از اعتبار تعلق گرفته به مردان کمتر بوده و لذا تأثیری در افزایش خوداشتغالی

ایشان نداشته باشد.

جدول ۵: اشتغال ایجاد قبل و بعد از دریافت وام به تفکیک جنس

زن	مرد	
۴۷۴۷	۱۰۱۶۴	ساعات کار در هفته پس از دریافت وام
۴۷۵۹	۸۴۶۸	ساعات کار در هفته پیش از دریافت وام
-۱۲	۱۶۹۶	تغییر در ساعت کار در هفته
۱۴۱	۲۲۵	تعداد پاسخگویان
۶۹۵۹,۳	۳۳۹۹۲,۷۲۸	اعتبار دریافت شده (میلیون ریال)

بررسی خوداشتغالی به تفکیک بخش فعالیت نیز نشان می‌دهد که خوداشتغالی در بخشهای خدمات و صنعت پس از دریافت وام افزایش و در بخش کشاورزی کاهش یافته است. مهم ترین میزان کاهش خوداشتغالی در گروه افراد بیکار است. همان طور که قبلاً گفتیم ۱۵ نفر از افراد بیکار حاضر در نمونه اعلام نموده‌اند که وام خود را صرف امور مربوط به کسب و کار نموده‌اند، اما موفق به راه‌اندازی کسب و کار خود نشده‌اند. نکته جالب دیگر در مورد این گروه آن است که کلیه افراد این گروه اعلام نموده‌اند که پیش از دریافت وام کار می‌کرده‌اند، لکن پس از دریافت وام مقدار اشتغال ایشان به شدت کاهش یافته است.

جدول ۶: اشتغال ایجاد شده به تفکیک بخش فعالیت

کشاورزی	صنعت	خدمات	بیکار	نامشخص	
۲۱۲۹	۶۱۴۹	۶۵۰۸	۶۵	۶۰	ساعات کار در هفته پس از دریافت وام
۲۱۴۷	۵۵۹۵	۴۸۶۱	۵۶۴	۶۰	ساعات کار در هفته پیش از دریافت وام
-۱۸	۵۵۴	۱۶۴۷	-۴۹۹	۰	تغییر در ساعات کار هفتگی

۳-۲-۱ اشتغال استخدامی

برای محاسبه اشتغال استخدامی نیز پاسخگویانی که وام دریافت شده را صرف کسب و کار ننموده‌اند، در محاسبات لحاظ نکرده‌ایم (۹ پاسخگو). در اینجا نیز مشکل عدم پاسخگویی در مورد برخی از پاسخگویان وجود دارد، به طوری که وضعیت اشتغال استخدامی حداقل ۱۴ تن از پاسخگویان نامشخص است. این احتمال نیز وجود دارد که برخی از پاسخگویان که اعلام نموده‌اند که اشتغال استخدامی ندارند، در حقیقت کارگر یا کارمندی در استخدام خود داشته باشند که حاضر به دادن اطلاعات در مورد آنها نشده‌اند.

با ذکر مقدمه کوتاه فوق در این بخش تحلیل های خود را بر اساس ۳۶۰ پرسشنامه‌ای قرار می‌دهیم که اشتغال استخدامی برای آنها نامشخص نیست و وام را نیز صرف کسب و کار نموده‌اند. از این ۳۶۰ پاسخگو تنها ۱۶۵ تن آنها اعلام نموده‌اند که به جز خودشان کس دیگری نیز در بنگاه ایشان مشغول به کار است. این بدان معنی است که تنها کمتر از نیمی از پاسخگویان نمونه (حدوداً ۴۳ درصد) به استخدام کارگر یا کارمند پرداخته و بقیه آنها دارای کسب و کارهای تک کارکن هستند.

جدول ۷: وضعیت اشتغال استخدامی بنگاه های حاضر در نمونه

درصد	نفر	
۳,۶۴	۱۴	پاسخگویانی که اشتغال استخدامیشان نامشخص است
۲,۳۴	۹	پاسخگویانی که وام را صرف کسب و کار نکرده اند
۴۲,۸۶	۱۶۵	پاسخگویانی که اشتغال استخدامی داشته اند
۵۱,۱۷	۱۹۷	بنگاه های تک کارکن
-	۳۴۷	تعداد کل کارکنان استخدامی

بررسی اطلاعات پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که ۱۶۵ پاسخگویی که اعلام نموده‌اند کارگر یا کارمند دارند، در مجموع تعداد ۳۴۷ کارکن در استخدام خود دارند که اگر این رقم را به کل تعداد بنگاه‌هایی که وام را برای کسب و کار هزینه نموده‌اند تقسیم کنیم، میزان اشتغال ایجاد شده به ازای هر بنگاه چیزی حدود ۰/۹۲ نفر است. بررسی ترکیب این اشتغال نشان می‌دهد که از ۳۴۷ کارکنی که بنگاه های حاضر در نمونه در استخدام دارند، ۶۶ درصد ایشان کارکن مزدبگیر و ۳۳ درصد کارکن بدون مزد هستند، همچنین ۵۶ درصد زن و ۴۳ درصد مرد هستند. اما بیشتر بودن سهم زنان نسبت به مردان به معنای بهتر بودن وضعیت اشتغال زنان نسبت به مردان نیست، زیرا بررسی ترکیب اشتغال به تفکیک مزدی و غیر مزدی نشان می‌دهد که ۷۵ درصد از مردان نمونه کارکن مزدبگیر و ۲۵ درصد کارکن بدون مزد هستند. این درحالی است که در بین زنان تعداد کارکنان مزدبگیر تنها ۵۹ درصد است. بنابراین ملاحظه می‌شود که نسبت کارکنان بدون مزد در بین زنان به مراتب از مردان بیشتر بوده است. در صورتی که کارکنان مزدبگیر را با یکدیگر مقایسه کنیم، تعداد نیروی کار زن و مرد تقریباً با یکدیگر مساوی است.

جدول ۸: اشتغال استخدامی به تفکیک جنسیت و وضعیت مزدبگیری

درصد	جمع	نامشخص	کارکن بدون مزد	کارکن مزدبگیر	
۴۳,۲۳	۱۵۰	۰	۳۸	۱۱۲	مرد
۵۶,۴۸	۱۹۶	۲	۷۸	۱۱۶	زن
۰,۲۹	۱	۰	۰	۱	نامشخص
۱۰۰	۳۴۷	۲	۱۱۶	۲۲۹	جمع
	۱۰۰	۰,۵۷۶	۳۳,۴۳	۶۵,۹۹	درصد

از بین ۳۴۷ کارگر یا کارمندی که در بنگاه های حاضر در نمونه به فعالیت مشغولند، تقریباً نیمی از ایشان (۱۶۸ نفر) کارکن فAMILI هستند- یعنی کارگر یا کارمندی که با صاحب بنگاه دارای رابطه خویشاوندی است. بالا بودن نسبت کارکنان فAMILI بدان معناست که احتمالاً حجم بالایی از بنگاه های حاضر در نمونه را کسب و کارهای کوچک خانوادگی تشکیل می دهند. با بررسی عناوین کسب و کار که پاسخگویان به آن اشاره نموده اند نیز این نکته تأیید می شود. برای مثال بخش بزرگی از بنگاه هایی که در بخش صنعت تقسیم بندی شده اند، عنوان فعالیت خود را صنایع دستی (قالیبافی، گلیم بافی و...) اعلام نموده اند. این نشان می دهد که اکثر این کسب و کارها در بخش های سنتی اقتصاد قرار داشته و دارای ترکیب اشتغال و تولید سنتی هستند.

جدول ۹: اشتغال استخدامی به تفکیک رابطه خویشاوندی کارکن با صاحب بنگاه و وضعیت مزدبگیری

کارکن مزدبگیر	کارکن بدون مزد	نامشخص	جمع
۶۱	۱۰۶	۱	۱۶۸
۱۶۷	۱۰	۰	۱۷۷
۱	۰	۱	۲
۲۲۹	۱۱۶	۲	۳۴۷

بررسی اطلاعات پرسشنامه ها نشان می دهد که از کل ۱۱۶ کارکن بدون مزدی که بنگاه های حاضر در نمونه در استخدام خود دارند، ۱۰۶ نفر (۹۱ درصد) ایشان کارکن فAMILI هستند. این در حالی است که از بین ۲۲۹ کارکن مزدبگیر که در بنگاه ها مشغول به کار هستند ۱۶۷ نفر (۷۳ درصد) ایشان کارکن غیر فAMILI هستند. بنابراین ملاحظه می شود، تمایل به اشتغال بدون مزد بیشتر در بین کارکنان فAMILI وجود دارد، و تعداد کارکنان بدون مزدی که با صاحب بنگاه دارای رابطه خویشاوندی نباشند، بسیار کم است.

از ۳۴۷ کارکن شاغل در بنگاه های حاضر در نمونه، تنها ۳۴ درصد (۱۱۸ نفر) پس از وام شروع به کار کرده اند، و ۶۵ درصد بقیه پیش از دریافت وام در بنگاه مشغول به کار بوده اند. این نشان می دهد که میزان جذب کارگر پس از دریافت وام تنها ۳۱ نفر به ازای هر ۱۰۰ بنگاه بوده است. از این ۱۱۸ نفری که پیش از وام شروع به کار نموده اند، ۲۸ نفر کارکن بدون مزد بوده اند که با این حساب می توان چنین نتیجه گیری کرد که ۳۷۶ بنگاهی که وام را صرف کسب و کار نموده اند، در مجموع پس از دریافت وام تنها ۹۰ کارکن مزدبگیر به استخدام خود درآورده اند که این، تعداد کارکنان مزدبگیر جذب شده در بنگاه ها را به ۲۴ کارگر به ازای هر ۱۰۰ بنگاه تقلیل می دهد. به این ترتیب می توان گفت که اشتغال استخدامی که پس از دریافت وام ایجاد شده، اندک بوده است.

جدول ۱۰: وضعیت اشتغال استخدامی بر حسب زمان شروع به کار و وضعیت مزدبگیری

کارکن مزدبگیر	کارکن بدون مزد	نامشخص	جمع	درصد
۹۰	۲۸	۰	۱۱۸	۳۴,۰۱
۱۳۸	۸۸	۱	۲۲۷	۶۵,۴۲
۱	۰	۱	۲	۰,۶
۲۲۹	۱۱۶	۲	۳۴۷	۱۰۰
۶۵,۹۹	۳۳,۴۳	۰,۵۸	۱۰۰	درصد

جدول ۱۱: وضعیت اشتغال استخدامی برحسب زمان شروع به کار و رابطه خویشاوندی با صاحب بنگاه

کارکن فامیلی	کارکن غیر فامیلی	نامشخص	جمع
۴۴	۷۴	۰	۱۱۸
۱۲۴	۱۰۳	۰	۲۲۷
۰	۰	۲	۲
۱۶۸	۱۷۷	۲	۳۴۷

جدول ۱۲: وضعیت اشتغال استخدامی افرادی که پس از دریافت وام شروع به کار کرده‌اند

کارکن مزدبگیر	کارکن بدون مزد	جمع
۲۳	۲۱	۴۴
۶۷	۷	۷۴
۹۰	۲۸	۱۱۸

۳-۲-۲ اشتغال کل

در قسمت های قبل به بررسی خوداشتغالی و اشتغال استخدامی در بنگاه های حاضر در نمونه پرداختیم. در این بخش مجموع اشتغال ایجاد شده در بنگاه ها را مورد بررسی قرار می دهیم. در این بخش هدف این است که میزان کل اشتغال جدید ایجاد شده در بنگاه ها را به طور اجمال مورد بررسی قرار داده و آنرا با میزان اشتغال پیش بینی شده وام ها که در فصل قبل به تفصیل مورد بررسی قرار دادیم مقایسه نماییم. همان طور که در بخش مربوط به خود اشتغالی نیز به تفصیل شرح داده شد، میزان خوداشتغالی پاسخگویان پس از دریافت وام نسبت به پیش از آن افزایش یافته است، اما تنها تعداد کمی از پاسخگویان (۳۱ نفر) اعلام نموده‌اند که پیش از دریافت وام بیکار بوده‌اند. از طرف دیگر در بخش اشتغال استخدامی نیز بنگاه های حاضر در نمونه پس از دریافت وام تنها ۹۰ کارکن جدید را که مزد و حقوق دریافت می کنند به نیروی کار خود اضافه نموده‌اند. بنابراین میزان اشتغال جدید ایجاد شده در بنگاه ها (اعم از اشتغال استخدامی و خوداشتغالی) برابر با ۱۲۱ نفر است. همان طور که پیش تر نیز اشاره شده، این اشتغال برای بنگاه هایی مد نظر قرار می گیرد که وام را صرف کسب و کار نموده‌اند. همان طور که پیش تر نیز ذکر شده، ۹ نفر از پاسخگویان اصلاً وام را صرف هیچ کسب و کاری ننموده‌اند و در مورد یک نفر از پاسخگویان نیز وضعیت مصرف وام نامشخص است. ۳۷۵ پاسخگوی باقیمانده نیز وام دریافت شده را مجموعاً در ۳۷۸ کسب و کار مختلف سرمایه گذاری نموده‌اند. در جدول زیر اشتغال تحقق یافته وام ها با اشتغال پیش بینی شده مقایسه شده است.

جدول ۱۳: مقایسه اشتغال تحقق یافته و اشتغال پیش‌بینی شده

نمونه	جامعه (تسهیلات غیر خرد)	جامعه (تسهیلات خرد)	جامعه (کل تسهیلات)	
۴۱۵۷۳,۰۱۶	۴۰۷۸۵۵۶۵,۸۵	۲۸۰۵۱۱۲,۲۰	۴۳۵۹۰۶۷۸,۰۵	مبلغ تسهیلات
۳۷۸	۹۵۹۹۸	۸۷۹۲۷	۱۸۳۹۲۵	تعداد طرح
۱۲۱	۲۵۵۰۰۴	۱۰۳۶۵۵	۳۵۸۶۵۹	اشتغال
۳۴۳,۵۸	۱۵۹,۹۴	۲۷,۰۶	۱۲۱,۵۴	تسهیلات پرداخت شده به ازای یک واحد اشتغال
۰,۳۲	۲,۶۶	۱,۱۸	۱,۹۵	اشتغال ایجاد شده به ازای هر طرح

همان طور که در جدول فوق به وضوح مشاهده می‌شود میزان اشتغال تحقق یافته وام‌ها در نمونه ما از میزان اشتغال پیش‌بینی شده ثبت شده در پایگاه داده‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به مراتب کمتر بوده است. در نمونه به ازای هر صد طرح خرد به اجرا درآمده تنها ۳۲ شغل جدید ایجاد شده است. این در حالی است که مطابق پیش‌بینی‌های انجام شده به ازای هر صد طرح خرد باید ۱۱۸ شغل و در مجموع کل طرح‌ها نیز به ازای هر صد طرح ۱۹۵ اشتغال جدید ایجاد می‌شد. همان طور که در بخش‌های قبل نیز ذکر شد بیش از ۹۰ درصد از حجم نمونه ما را طرح‌های خردی تشکیل می‌دهند که میزان اعتبار تعلق گرفته به آنها کمتر از ۱۰۰ میلیون ریال بوده است. با توجه به اطلاعات به دست آمده از نمونه می‌توان دریافت که پیش‌بینی‌های صورت گرفته در زمینه میزان اشتغالی و وام‌ها حداقل در زمینه طرح‌های خرد بسیار خوش‌بینانه بوده، به طوری که میزان اشتغال ایجاد شده در طرح‌های خرد کمتر از یک سوم میزان پیش‌بینی شده بوده است.

۴- تبیین و تخمین مدل

وجود اطلاعات خرد از افراد و خانوارها حاصل از نمونه‌گیری‌های علمی و دقیق، سبب شده است که ادبیات وسیعی در زمینه عرضه نیروی کار افراد و اشتغال و بیکاری گروه‌های مختلف اجتماعی شکل گیرد. همچنین مدل‌های تصمیم‌گیری، راه را برای بررسی تصمیم افراد برای ورود به بازار کار باز کرده است. در این الگوها پارامترهای متعدد اقتصادی و اجتماعی دخیل در تصمیم یک فرد برای ورود به بازار کار معرفی و مطالعه می‌شوند. عرضه نیروی کار در کل اقتصاد معمولاً از دو طریق مورد بررسی قرار می‌گیرد. اولین روش، استفاده از نرخ‌های مشارکت نیروی کار و دومین روش، استفاده از ساعات کار عرضه شده افراد به بازار می‌باشد.

در مطالعه عرضه نیروی کار، سؤال اصلی، میزان مشارکت نیروی کار در بازار است. یک جنبه از بررسی مشارکت افراد در بازار کار در قالب‌های پیوسته می‌گنجد. به این ترتیب که ساعات کار عرضه شده از طرف نیروی کار، متغیری پیوسته و قابل انتخاب فرض می‌شود. جنبه دیگر، پاسخ این پرسش است که فرد نمونه چه موقع تصمیم به حضور یا عدم حضور در بازار کار می‌گیرد که در حقیقت پاسخی دو حالتی می‌باشد. حالت اخیر در قالب الگوهای تصمیم‌گیری گسسته قرار می‌گیرد.

با توجه به مطالب مطرح شده قبلی، مدل مناسب برای متغیر اول مدل توییت و مدل مناسب برای متغیر دوم، مدل پروبیت (یا لوجیت) است. به طور کلی ساختار مدل‌های پروبیت و توییت یکی است اما مدل‌های اندازه‌گیری متفاوت می‌باشند. در مدل توییت، مقدار متغیر پنهان را وقتی بیشتر از حد آستانه است می‌دانیم اما در مدل پروبیت، تنها می‌دانیم که متغیر پنهان بیش از حد آستانه هست یا نه. بنا بر این چون در مدل توییت، اطلاعات بیشتری در دسترس است، برآوردهای

ضرایب، کارا تر از برآوردهایی است که از مدل پروبیت به دست می‌آیند.

برازش مدل: پروبیت

با توجه به مبانی نظری، تابع عرضه نیروی کار، به صورت ذیل پیشنهاد می‌شود.

$$Y = Y(W, Credit, H, E); \quad (1)$$

که در آن :

$Y = 1$ چنانچه بعد از دریافت اعتبار خرد ایجاد اشتغال شود.

$Y = 0$ چنانچه بعد از دریافت اعتبار خرد ایجاد اشتغال نشود.

W نرخ دستمزد ساعتی یا متوسط درآمد ساعتی کسب و کاری که برای آن وام دریافت شده است.

$Credit$ میزان اعتبارات خرد دریافت شده

H متغیرهای مربوط به سرمایه انسانی از قبیل:

H_3 : تجربه کاری (در این تحقیق متغیر جانشین سن استفاده می‌شود).

(ب) H_4 الی H_8 : میزان تحصیلات فرد (که در اینجا این متغیر شامل شش گروه بیسواد، ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، دانشجو و فوق‌دیپلم، لیسانس و بالاتر است بنابراین از ۵ متغیر موهومی استفاده شده است)

E بردار سایر متغیرها از قبیل:

(الف) E_9 : محل سکونت (شهر) $E_9 = 1$ ، (یا روستا)

(ب) E_{10} : وضعیت تاهل [مجرد]: $E_{10} = 1$

(ج) E_{11} : متغیر جنس [مرد]: $E_{11} = 1$

(د) E_{12} و E_{13} : بخش اقتصادی (بخش صنعت، خدمات و کشاورزی) که کسب و کار در آن واقع است (به دلیل آنکه سه گروه وجود دارد از دو متغیر موهومی استفاده می‌کنیم).

$E_{12} = 1$ اگر فعالیت در بخش کشاورزی قرار داشته باشد.

$E_{12} = 0$ در غیر این صورت

$E_{13} = 1$ اگر فعالیت در بخش صنعت قرار داشته باشد.

$E_{13} = 0$ در غیر این صورت

بنابراین شکل کلی رابطه‌ای که باید تخمین زده شود به صورت زیر می‌باشد:

معادله فوق را در دو حالت تخمین می‌زنیم: حالت اول ایجاد اشتغال با مزد و حقوق را برای متغیر Y در نظر می‌گیریم و در حالت دوم ایجاد اشتغال بدون مزد و حقوق را مدنظر قرار می‌دهیم. نتایج تخمین‌ها به ترتیب در جدول شماره ۱۴ و ۱۵ آورده شده است. در ستون مربوط به ضریب برآورد شده، به دلیل آنکه ضرایب به طور مستقیم قابل تفسیر نیستند (چون نشان دهنده‌ی اثرات نهایی نیستند) از مقدار تغییر در متغیر وابسته به ازای تغییر در متغیر مستقل استفاده شده است.

جدول ۱۴: ارزیابی تأثیر عوامل مختلف بر احتمال مشارکت در بازار کار با دستمزد و حقوق: مدل پروبیت

نام متغیر	ضریب برآورد شده $\left(\frac{dy}{dx}\right)$	احتمال صفر بودن ضریب $P > Z $
درآمد ماهانه	۰/۰۳۸	۰/۰۰۱
میزان اعتبارات خرد دریافت شده	۰/۰۰۱	۰/۱۴۹
متغیرهای مربوط به سرمایه انسانی		
سن	-۰/۰۰۲	۰/۳۹۰
تحصیلات ابتدایی	۰/۱۱۲	۰/۴۸۰
تحصیلات راهنمایی	۰/۲۹۳	۰/۱۰۰
تحصیلات دبیرستان	۰/۰۹۱	۰/۱۵۵۶
تحصیلات دانشجوی یا فوق دیپلم	۰/۲۶۵	۰/۲۷۴
تحصیلات لیسانس و بالاتر	۰/۲۰۶	۰/۳۳۲
سایر متغیرها		
محل سکونت	-۰/۴۶۳	۰/۰۵۷
وضعیت تاهل	۰/۰۵۹	۰/۳۷۱
متغیر جنس	-۰/۰۸۷	۰/۰۰۹
قرار گرفتن کسب و کار در بخش کشاورزی	۰/۰۷۸	۰/۰۴۸
قرار گرفتن کسب و کار در بخش صنعت	-۰/۰۰۰۶	۰/۹۹۲
Pseudo R² R²		۰/۴۰
Prob > χ²		۰/۰۰۵

نتایج فوق نشانگر آن است که اعتبار خرد در سطوح آماری متعارف (۵ یا ۱۰ درصد) معنی‌دار نیست و حتی اگر سطح معنی‌داری آماری را بالاتر نیز در نظر بگیریم (مثلاً ۱۵ درصد)، مقدار ضریب برآورد شده بسیار پایین است و بدین صورت می‌توان آن را تفسیر کرد که اعتبارات خرد در ایجاد «اشتغال با دستمزد و حقوق» تأثیر ندارد.

همچنین متغیر جنس (زن یا مرد بودن) معنی‌دار است که چون در مدل مذکور گروه مرجع زنان هستند ضریب برآورده شده نشانگر آن است که احتمال ایجاد «اشتغال با دستمزد و حقوق» در مردان ۸ درصد از زنان کمتر است. قرار گرفتن کسب و کار در بخش کشاورزی نیز احتمال ایجاد «اشتغال با دستمزد و حقوق» را نیز ۷ درصد نسبت به بخش خدمات (گروه مرجع) بالا می‌برد.

در خصوص اختصاص اعتبارات در شهر یا روستا نیز می‌توان بیان کرد که شهری بودن دریافت‌کننده وام احتمال ایجاد «اشتغال با دستمزد و حقوق» را به اندازه ۴۶ درصد نسبت به روستایی بودن کاهش می‌دهد.

در مورد «اشتغال بدون دستمزد و حقوق» ضریب مربوط به اعتبارات خرد معنی‌دار است و بیانگر این مطلب است که افزایش یک واحد در اعتبار خرد (میلیون ریال)، احتمال ایجاد «اشتغال بدون دستمزد و حقوق» را به اندازه ۰/۵ درصد افزایش می‌دهد.

ضریب برآورد شده در خصوص متغیر محل سکونت، نشانگر آن است که ساکن شدن در شهر احتمال ایجاد «اشتغال بدون دستمزد و حقوق» را نسبت به روستا ۲۶ درصد کاهش می‌دهد. در این مدل قرار گرفتن کسب و کار در بخش کشاورزی، ضریب برآورد شده در خصوص متغیر محل سکونت، نشانگر آن است که ساکن شدن در شهر احتمال ایجاد

"اشتغال بدون دستمزد و حقوق" را نسبت به روستا ۲۶ درصد کاهش می دهد. در این مدل قرار گرفتن کسب و کار در بخش کشاورزی، احتمال ایجاد "اشتغال بدون دستمزد و حقوق" را نسبت بخش خدمات و اندازه ۱۸ درصد بیشتر است و همچنین متغیر جنسیت (زن یا مرد بودن) و قرار گرفتن کسب و کار در بخش صنعت از لحاظ آماری بی معنی می باشد.

جدول ۱۵: ارزیابی تأثیر عوامل مختلف بر احتمال مشارکت در بازار کار بدون دستمزد و حقوق: مدل پروبیت

نام متغیر	ضریب بر آورد شده $\left(\frac{dy}{dx}\right)$	احتمال صفر بودن ضریب $P > Z $
درآمد ماهانه	۰/۰۳۴	۰/۰۴
میزان اعتبارات خرد دریافت شده	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰
متغیرهای مربوط به سرمایه انسانی		
سن	۰/۰۰۳	۰/۲۸۹
تحصیلات ابتدایی	۰/۱۲۶	۰/۲۲۳
تحصیلات راهنمایی	۰/۱۷۷	۰/۱۶۹
تحصیلات دبیرستان	۰/۱۴۱	۰/۲۳۷
تحصیلات دانشجو یا فوق دیپلم	۰/۰۵۶	۰/۷۹۳
تحصیلات لیسانس و بالاتر	۰/۴۴۳	۰/۰۰۷
سایر متغیرها		
محل سکونت	-۰/۲۶۰	۰/۰۰۰
وضعیت تاهل	۰/۱۰۳	۰/۱۸۱
متغیر جنس	-۰/۱۱۳	۰/۱۲۵
قرار گرفتن کسب و کار در بخش کشاورزی	۰/۱۸۱	۰/۰۴۳
قرار گرفتن کسب و کار در بخش صنعت	۰/۱۰۰	۰/۱۴۶
Pseudo R²		۰/۴۷
Prob > χ^2		۰/۰۰۰

۴-۲ برازش مدل: نوبیت

همان طور که قبلاً ذکر گردید زمانی که از متغیر پیوسته زمان کار برای بررسی عرضه نیروی کار استفاده می شود، مدل

مناسب مدل‌های توبیت می‌باشد. در این قسمت از تحقیق متغیر اشتغال را برابر با رشد ساعات کار (شامل اشتغال با مزد و حقوق و بدون مزد و حقوق) ناشی از دریافت اعتبارات در نظر می‌گیریم به عبارت دیگر متغیر وابسته را مساوی با تفاوت مجموع میزان ساعات اشتغال در ماه بعد از دریافت اعتبارات و مجموع میزان ساعات اشتغال در ماه قبل از دریافت اعتبارات تقسیم بر مجموع میزان ساعات اشتغال در ماه قبل از دریافت اعتبارات در نظر می‌گیریم. بنابراین تنها تغییر در رابطه (۱) مربوط به متغیر وابسته است که در این حالت به صورت یک متغیر پیوسته ظاهر می‌گردد و نه متغیر دو حالتی. نتایج تخمین در جدول شماره ۱۶ نشان داده شده است.

برآوردها نشان می‌دهد که افزایش یک واحد اعتبارات خرد (معادل یک میلیون ریال) باعث می‌گردد رشد ساعات کار به اندازه ۰/۳ افزایش یابد. همچنین شهری بودن دریافت کننده وام (در مقابل با روستایی بودن) سبب می‌گردد رشد ساعات کار به اندازه ۱/۲۸ واحد کاهش یابد.

در خصوص متغیر جنس (مرد یا زن بودن) می‌توان گفت که این عامل تأثیر آماری معنی‌داری بر روی ساعات کار ندارد و در نهایت قرار گرفتن کسب و کار در بخش کشاورزی رشد ساعات کار را نسبت به بخش خدمات به اندازه ۵/۸ واحد افزایش می‌دهد و قرار گرفتن کسب و کار در بخش صنعت رشد ساعات کار را نسبت به بخش خدمات به اندازه ۲/۸ واحد افزایش می‌دهد.

جدول ۱۶: ارزیابی تأثیر عوامل مختلف بر ساعات کار (با مزد و بدون مزد): مدل توبیت

نام متغیر	ضریب برآورد شده	احتمال صفر بودن ضریب
درآمد ماهانه	۰/۱۴۰	۰/۰۰۰
میزان اعتبارات خرد دریافت شده	۰/۳۰۰	۰/۰۴۲
متغیرهای مربوط به سرمایه انسانی		
سن	-۰/۷۲۹	۰/۰۹۹
تحصیلات ابتدایی	-۶/۶۰	۰/۵۸۵
تحصیلات راهنمایی	۴/۴۵	۰/۷۶۱
تحصیلات دبیرستان	-۲/۵۴	۰/۸۵۷
تحصیلات دانشجو یا فوق دیپلم	۸/۶۲	۰/۶۹۶
تحصیلات لیسانس و بالاتر	۰/۵۲۹	۰/۹۷۸
سایر متغیرها		
محل سکونت	-۱/۲۸	۰/۰۰۰
وضعیت تاهل	-۰/۶۴۵	۰/۹۳۵
متغیر جنس	-۱/۸۵	۰/۲۹۵
قرار گرفتن کسب و کار در بخش کشاورزی	۵/۹۹	۰/۰۰۰
قرار گرفتن کسب و کار در بخش صنعت	۲/۰۷	۰/۰۰۵
		۰/۳۴
		۰/۰۰۰۱

۵- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

در این مقاله، برای بررسی تأثیر اعتبارات خرد بر اشتغال از دو روش "نرخ مشارکت نیروی کار" و "ساعات کار عرضه شده افراد به بازار" استفاده شده است.

روش اول، پاسخ این پرسش است که فرد نمونه چه موقع تصمیم به حضور یا عدم حضور در بازار کار می‌گیرد که در حقیقت پاسخی دو حالتی می‌باشد. حالت اخیر در قالب الگوهای تصمیم‌گیری گسسته قرار می‌گیرد و مدل مناسب برای این متغیر، مدل پروبیت (یا لوجیت) است. در روش دوم ساعات کار عرضه شده از طرف نیروی کار، متغیری پیوسته و قابل انتخاب فرض می‌شود که مدل مناسب برای بررسی این متغیر مدل توبیت می‌باشد. به طور کلی ساختار مدل‌های پروبیت و توبیت یکی است اما مدل‌های اندازه‌گیری متفاوت می‌باشند. در مدل توبیت، مقدار متغیر پنهان را وقتی بیشتر از حد آستانه است می‌دانیم اما در مدل پروبیت، تنها می‌دانیم که متغیر پنهان بیش از حد آستانه هست یا نه. بنا براین چون در مدل توبیت، اطلاعات بیشتری در دسترس است، برآوردهای ضرایب، کاراتر از برآوردهایی است که از مدل پروبیت به دست می‌آیند.

نتایج تخمین‌های مدل پروبیت نشان می‌دهد که اعتبارات خرد بر روی ایجاد "اشتغال با دستمزد و حقوق" بی‌تأثیر است و بر ایجاد اشتغال "بدون دستمزد و حقوق" تأثیر بسیار اندکی دارد به طوری که افزایش یک واحد در اعتبار خرد (یک میلیون ریال)، احتمال ایجاد اشتغال "بدون دستمزد و حقوق" را به اندازه ۰/۵ درصد افزایش می‌دهد.

در مورد بررسی تغییر در میزان ساعات کار عرضه شده (که از مدل توبیت استفاده می‌شود) می‌توان گفت که دریافت اعتبارات، اثر مثبت بر رشد ساعات کار عرضه شده دارد، به طوری که افزایش یک واحد اعتبارات خرد (معادل یک میلیون ریال) باعث می‌گردد رشد ساعات کار به اندازه ۰/۳ افزایش یابد. در مورد تأثیر اعتبارات خرد در بخشهای مختلف اقتصادی (کشاورزی، خدمات و صنعت) نیز می‌توان اظهار کرد که قرار در مورد تأثیر اعتبارات خرد در بخشهای مختلف اقتصادی (کشاورزی، خدمات و صنعت) نیز می‌توان اظهار کرد که قرار گرفتن کسب و کار در بخش کشاورزی و با فرض ثابت بودن سایر شرایط، احتمال ایجاد شغل و رشد ساعات کار را نسبت به بخش خدمات افزایش می‌دهد.

در نهایت نتایج بیانگر آن است که احتمال ایجاد اشتغال "بدون دستمزد و حقوق" در مردان ۸ درصد از زنان کمتر است و در سایر مدل‌ها یعنی ایجاد اشتغال بدون دستمزد و حقوق و رشد ساعات کار مرد بودن یا زن بودن تأثیر معنی‌داری ندارد. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، توصیه‌های سیاستی زیر پیشنهاد می‌گردد:

- وضع مقررات نامناسب یا وادار کردن مؤسسات تأمین مالی خرد به رعایت قوانینی که برای مؤسسات مالی عادی وضع شده، می‌تواند اثرات نامطلوبی بر رشد و توسعه پایدار این بخش برجای گذارد. لذا در صورتی که بخواهیم تأمین مالی خرد را به عنوان یک سیاست مبارزه با فقر و بیکاری مورد استفاده قرار دهیم، لازم است که مطالعاتی در رابطه با قوانین و مقررات مناسب برای توسعه این بخش انجام دهیم. بنابراین توصیه می‌گردد نهادشناسی مؤسسات تأمین مالی خرد (به ویژه در خصوص صندوق مهر رضا (ع) با هدف:

الف) بررسی ساختارهای قانونی و حقوقی کشورهای مختلف برای تنظیم و نظارت بر بخش تأمین مالی خرد
ب) پیشنهاد ارائه یک ساختار حقوقی مناسب برای این مؤسسات در ایران مورد توجه جدی مسئولان ارشد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار گیرد.

- با توجه به رابطه منفی مشاهده شده بین نرخ بیکاری و اعتبارات خرد توزیع شده در استان‌های مختلف کشور و همچنین در نظر گرفتن اهداف اساسی اعتبارات خرد، پیشنهاد می‌گردد برنامه‌های مخصوص جبرانی برای اعطای اعتبارات خرد در استان‌های محروم‌تر مورد توجه قرار گیرد. این اعتبارات باید ویژگی‌های مهمی نظیر سهولت دستیابی، قابلیت اعطای شرایط، سهولت درک و فهم قرارداد و متناسب بودن با شرایط محلی را داشته باشند.

- بررسی‌های انجام گرفته در این تحقیق نشان می‌دهد که زنان نسبت به مردان، در ایران کمتر مورد پوشش اعطای اعتبارات خرد قرار گرفته‌اند که این مسأله در تناقض با تجربیات کشورهای موفق در خصوص تخصیص حجم زیادی از اعتبارات خرد به زنان قرار دارد. لذا پیشنهاد می‌گردد برنامه‌های اعتبارات خرد ویژه زنان کارآفرین در اولویت برنامه‌های مسئولان ذیربط با اشتغال قرار گیرد.

- با توجه به بی‌تأثیر بودن یا تأثیر اندک اعتبارات خرد تخصیص یافته بر ایجاد اشتغال جدید، پیشنهاد می‌گردد راهبرد "اعتبارات خرد" بیشتر در راستای توسعه فعالیت‌های اقتصادی جاری متقاضیان مورد استفاده قرار گیرد به عبارت دیگر از اعتبارات خرد نباید انتظار ایجاد شغل جدید وجود داشته باشد و بنابراین بیشتر بعد توسعه‌ای کسب و کارهای کوچک باید مورد توجه قرار گیرد. نکته قابل توجه دیگر در مسأله اثربخشی بیشتر، اهمیت "کسب و کارهای کوچک خانوادگی" است که می‌تواند در اولویت تخصیص اعتبارات خرد مورد توجه قرار گیرد.

- با توجه به تأثیر بیشتر اعتبارات خرد در بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها و همچنین مؤثر بودن این اعتبارات در روستاها نسبت به شهرها، توصیه می‌گردد صندوق مهر رضا (ع) فعالیت‌های ارائه خدمات مالی خرد در روستاهای کشور را (با توجه به ویژگی‌های اساسی ذکر شده برای مؤسسات مالی خرد) جزو اولویت‌های برنامه‌های توسعه‌ای خود قرار دهد.

۱. بختیاری، صادق. "مفاهیم، تعاریف و سابقه اعتبارات خرد با نگاهی به عملکرد بانک کشاورزی". مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد، توسعه روستایی و فقرزدایی. تهران آذر ۸۴
۲. پژویان، جمشید. بررسی عملکرد طرح ضربتی اشتغال. وزارت کار و امور اجتماعی معاونت برنامه‌ریزی و اشتغال. ۱۳۸۳
۳. رشیدی، داریوش. منصور، بهمن. "خدمات مالی روستایی خرد، گامی اساسی برای فقرزدایی". مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد، توسعه روستایی و فقرزدایی. تهران آذر ۸۴
۴. سعدی، حشمت‌اله. عرب‌مازار، عباس. نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی تجربه بانک کشاورزی. مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد، توسعه روستایی و فقرزدایی. تهران آذر ۸۴
۵. طرح ارزیابی توزیع ماشینی تسهیلات خوداشتغالی. وزارت کار و امور اجتماعی، صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی. شهریور ۱۳۸۴
۶. معظمی، میترا. رحیمی، عباس. طائفه حیدری، اعظم. بررسی پوشش و پایداری برنامه‌های اعتبار خرد (مطالعه موردی-صندوق اعتبار خرد برای زنان روستایی) مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد، توسعه روستایی و فقرزدایی. تهران آذر ۸۴
۷. نادری، ابوالقاسم. ابعاد و چالش‌های اساسی بازار کار در ایران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۱۹. ۱۳۸۰
۸. نوروزی، لادن. تأثیر تحصیلات عالی بر نرخ مشارکت و عرضه نیروی کار زنان و پیش‌بینی تحولات آن در آینده، گزارش طرح تحقیقاتی نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاست‌گذاری توسعه منابع انسانی کشور، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه. ۱۳۸۱
۹. هرنندی، فاطمه. جمشیدی، فرشید. فرهادی‌کیا، علیرضا. جوادی، مریم. روش‌های آماری مناسب برای ساخت مدل‌عرضه‌ی نیروی کار با توجه به ویژگی‌های متغیر پاسخ. گروه پژوهشی طرح‌های فنی و روش‌های آماری. ۱۳۸۴
10. Balkenhol Bern "The Impact of Microfinance on Employment: what do we know?" the paper were prepared for the Global Microcredit Summit 2006 by leaders
11. Barnes, Carolyn Microfinance program Clients and impact: an assessment of Zambuko Trust, AIMS projectreport, USAID, Washington, p.98
12. Bolnick, Bruce and Nelson, Eric, Evaluating the economic impact of a special credit programme : KIK/KMKP in Indonesia, JDS, 26, 1990 pp.299-312
13. Bruntrup M., A. Hoda, S M Alauddin and M Rahman (1997) Impact Assessment of ASA; Dhaka, Association for Social Advancement.
14. Chen, M.A. and Snodgrass, D. (2001) Managing Resources, Activities, and Risk In Urban India: The Impact of SEWA Bank, Washington D.C.: AIMS, September 2001.
15. Coleman, B.E. (1999) The Impact of Group Lending in Northeast Thailand, Journal of Development Economics, 60: 105-141.
16. Coleman, B.E. (2004) Microfinance in Northeast Thailand: Who Benefits and How Much? Manila: Asian Development Bank.
17. Edgcomb E and L Barton (1998) Social Intermediation and Microfinance Program, A Literature Review, Bethesda, MD: Development Alternative Inc.
18. Gaile, Gary and Foster, Jennifer, Review of methodological approaches to the study of impact of microenterprise credit programs, AIMS, USAID, Washington, 1996
19. Hossain, Mahabub and Diaz, Catalina, reaching the poor with effective micro credit: evaluation of a Grameen bank replication in the Philippines, IRRRI conference, Los Banos, June 1997the
20. Hulme, D. and P. Mosley (1996) Finance against Poverty, vol. 1 and 2, Routledge: London. 1996.
21. Hussain A. M. (1998) Poverty Alleviation and Empowerment: The Second Impact Assessment Study of BRAC's Rural Development Program, BRAC publications, Dhaka
22. Kaboski, J. and R. Townsend (2002) Policies and Impact: An Analysis of Village-Level Microfinance Institutions, Mimeo, University of Chicago.
23. Khandker, S. (2003) Micro-finance and Poverty: Evidence Using Panel Data From Bangladesh, World Bank Policy Research Paper 2945, World Bank, Washington.
24. Khandker, Shahidur, Samad, Hussain and Khan, Zahed, Income and employment effects of micro-credit programmes: village-level evidence from Bangladesh, Journal of Development Studies, vol.35, No.2, December 1998, pp.96-124
25. Lodgerwood(1999), Microfinance Hand Book, .Washington, D.C., World bank P.34
26. Maddala, G. S. (1983). Limited-dependent and qualitative variables in econometrics. Cambridge: University Press.
27. Maurer, Klaus, (2004), "Bank Rakyat Indonesia: Twenty Years of Large Scale Microfinance", Scaling Up Poverty Reduction: A Global Learning Process and Conference, Shanghai, May 25-27, 2004.
28. Montgomery, Richard, Debapriya Bhattacharya, and David Hulme, "Credit for the Poor in Bangladesh: The BRAC Rural Development Programme and the Government Thana Resource Development and Employment Programme," in Finance Against Poverty, Volume 2, David Hulme and Paul Mosley (editors), London: Routledge, 1996, pp. 94- 176.
29. Murray, Inez, Morduch, J. (1999) The Microfinance Promise, Journal of Economic Literature, XXXVII: 1569-1614.
30. Mosley P, Hulme D. 1998. Microenterprise finance: is there a conflict between growth and poverty alleviation? World Development 26(5): 783-790
31. Mosley, P. (2001) Microfinance and Poverty in Bolivia, Journal of Development Studies, 37 (4):101-132.
32. Pitt, M.M. and S. Khandker (1998) The Impact Of Group-Based Credit Programs On Poor Households In Bangladesh: Does The Gender Of Participants Matter?, Journal of Political Economy, 2: 958-977
33. Pitt, M.M., S.R. Khandker, O.H. Chowdhury, and D.L. Millimet (2003) Credit programs for the poor and the health status of children in rural Bangladesh, International Economic Review, 44 (1): 87-118
34. Schneider, Friedrich G., "The Size and Development of the Shadow Economies of 22 Transition and 21 OECD Countries" (June 2002). IZA Discussion Paper No. 514.
35. Schrieder G. and M. Sharma (1999) Impact of Finance on Poverty Reduction And Social Capital Formation: A Review and Synthesis of Empirical Evidence, Savings and Development, 23 (1): 67-93.
36. www.mixmarket.org